

اکثریت

نشریه هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دو شنبه ۲ آذر ۱۳۶۳ برابر ۳ دسامبر ۱۹۸۴
بها ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۳۵

”اکثریت“ افشا می کند: سندی محرمانه از دسیسه چینی های رژیم ج.ا. علیه آرامنه

به قدرت نشسته در امان مانده باشد • پیکر خونین خلق ترکمن سند محکومیت جنایتکارانی است که اکنون دیگره آن جنایات افتخار می کنند • دیگر ملیت ها و اقوام ایرانی نیز، نه فقط از انقلابی که با آن همه فداکاری به پیروزی رسید بلکه آرزو های تاریخی خود دست نیافتند، بلکه ستم پیشین با حدت بیشتری ادامه یافت •

اقلیت های مذهبی از قبیل کلیعی ها، بقیه در صفحه ۸

مرتجعین سیاهکاری که براریکه قدرت حکومت نشسته اند، برای همه مردم ایران فقر، ویرانی، درد، رنج و ستم به ارمغان آوردند • در این میان اقلیت های قومی و مذهبی از ستم مضاعف این حکومت تاریک اندیش و فاسد جو رنج می برند • قتل عام سیعانه خلق کرد، از سیاه ترین ورق های کارنامه خونبار رژیم می باشد • هیچ قوم و ملتی، هیچ مسلک و مذهبی در ایران نیست که از کینه توزی حیوانی این سیاهکاران

تظاهرات در تهران

بهره گیری مردم از اجتماعات ورزشی برای ابراز احتجاج نسبت به رژیم، ادامه دارد

در روز جمعه دوم آذرماه، با وجود تمهیدات شدید امنیتی ارگانهای سرکوب، حرکت اعتراضی مردم تهران علیه رژیم جمهوری اسلامی، در جریان مسابقه تیم ملی با تیم بو توف بلغارستان، جلوه درخشانی یافت •

رژیم که می دانست تجمع خود بخودی مردم در ورزشگاه، فرصتی برای ابراز اعتراض خشمگین آنان علیه مرتجعین خیانتکار خواهد شد، از پیش خود را آماده مقابله کرد • برخلاف سنت مرسوم برای دیدار با تیم های خارجی و برخلاف اعلام قبلی، در صبح همان روز (دوم آذر) با شتابزدگی اعلام داشتند که مسابقه در ورزشگاه آزادی انجام نخواهد شد و بجای آن ورزشگاه امجدیه به عنوان محل انجام مسابقه برگزیده شده است • رژیم که از تجمع انبوه مردم در ورزشگاه بزرگ آزادی نگران بود، گمان می کرد با این تغییر مکان خواهد توانست در ورزشگاه کوچک امجدیه اوضاع را در کنترل خود نگهدارد • علاوه بر این، از ساعت ها پیش از شروع مسابقه، پاسداران، کمیته چی ها و نفرت پلیس شهربانی در داخل و خارج ورزشگاه مستقر شدند • تعداد زیادی بسیجی، که به مناسبت ”هفته بسیج“ در ورزشگاه آزادی گرد آمده بودند، از آنجا با لباس معمولی به میان جمعیت داخل و خارج ورزشگاه امجدیه فرستاده شدند •

بقیه در صفحه ۳

درباره برنامه و خط مشی

حزب کمونیست فلسطین در

صفحه ۱۰

از میان نامه ها

وضعیت کارگاه های کوچک

در صفحه ۶

واپس گرایان و زبان فارسی

در صفحه ۷

انتشار گزارش هیأت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

ایران و تحولات حکومت جمهوری اسلامی • می پردازد و از زوایای مختلف، مسائل بسیار بخرنوب تحولات سالیان اخیر میهن ما را بساز می گشاید و پس از ارائه تحلیلی علمی از حاکمیت جمهوری اسلامی، خط مشی سازمان را ترسیم می کند و پاسخ می دهد که برای رسیدن به مقصود چه باید کرد • در بخش دیگری از گزارش، ”اوضاع سیاسی کشور در حال حاضر“ بررسی شده و وضعیت کنونی میهن ما از جهات گوناگون، ارزیابی می گردد •

هیئت سیاسی گزارش خود را با ارائه جمع بندی از ”فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم“ پایان می دهد • این بخش از گزارش در صفحات ۳ و ۴ همین شماره اکثریت درج شده است •

در هفته گذشته نشریه کار شماره ۱۰ - آذر ۶۳ - منتشر گردید • با این شماره کار انتشار اسناد پلنوم مهرماه کمیته مرکزی سازمان که با کار شماره ۹ آغاز شده بود، پایان گرفت • در آخرین شماره ارگان کمیته مرکزی، گزارش هیئت سیاسی به پلنوم و نیز پیام پلنوم به جهانیان درباره زندانیان سیاسی ایسران درج گردیده است •

در گزارش هیئت سیاسی تحلیلی همه جانبه و میسوط از سیر تحولاتی که انقلاب ایران از سرگذراند، ارزیابی دقیق از علل بروز این تحولات، موقعیت کنونی میهن ما و جوانب مختلف عملکرد سازمان ارائه شده است •

گزارش، پس از نگاه به اوضاع جهان و منطقه، با دقت ویژه ای به بررسی ”انقلاب

۱۶ آذر، روز تولد فریاد خاموش ناشدنی جنبش دانشجویی ایران: ”اتحاد، مبارزه، پیروزی!“

در صفحه ۵

کارخانه ”کانادادرای“ پس از سرکوب

در کارخانه نوشابه سازی کانادادرای، اکنون که چند ماه از اعتصاب دلیرانه کارگران و سرکوب خونین آن توسط رژیم سپهری شده است، تولید هنوز به حالت عادی باز نگشته است • در این کارخانه که پس از سرکوب، زیر سرریزه سپاه تولید از سر گرفته شد، کارگران با کم کاری سطح تولید را به شدت پایین آوردند بطوریکه حجم تولید در سه شیفت کار، به اندازه حجم تولید در یک شیفت کار سابق تنزل کرد •

مدیریت و اعضاء انجمن اسلامی برای بازگرداندن تولید به سطح گذشته، کوشیدند از طریق ایجاد رعب و وحشت مقام کارگران را درهم بشکنند • از جمله شایعه کردند که بقیه در صفحه ۴

پیرامون حادثه اخیر

منزای دانشگاه برلین غربی

پیرامون رویدادهای تاسف بار دوم آذرماه (۲۳ نوامبر)، در سالن غذاخوری (منزا) دانشگاه صنعتی برلین غربی، اعلامیه ای از سوی دانشجویان هوادار سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در برلین غربی، انتشار یافت • متن اعلامیه در صفحه ۴ درج شده است

آکسیونهای اعتراضی

علیه سرکوب خلق کرد

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران پیا خیزیم!

بخشی از گزارش هیأت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت)

فعالیت سازمان در فاصله دو پلنوم
رفقا

گزارش فعالیت تشکیلاتی هیأت سیاسی دور دو و سه کاملاً متقارن و متعکس می‌کند. دور اول که تا پایان سال ۶۱ ادامه می‌یابد، امر گسترش، نو سازی و تحکیم سازمان های حزبی در سراسر ایران و انطباق هرچه بیشتر آنان با موازین لنینی زندگی حزبی که در فاصله دو پلنوم مرداد ماه ۶۰ و خرداد ماه ۶۱ پیش‌رفته بود، همچنان ادامه یافت.

در این دوره و سیخ‌ترین عضوگیری در تمام طول تاریخ سازمان به انجام رسید، طی این عضوگیری، وضعیت سازمانی کلیه نیروهای تشکیلات، بر مبنای برنامه و اساسنامه سازمان روشن گردید.

طی این دوره کمیته های ایالتی سازمان تماماً بازسازی شدند. سازمان ایالتی تهران و کمیته رهبری آن به مثابه نیرومندترین و مهمترین تشکیلات ایالتی سازمان، کمیته های نواحی آن و کمیته های بخش های تابع هر ناحیه نیز تجدید سازمان یافته، یا تشکیل گردیدند. کمیته های شهرها و هیأت های مسئولین وقت در شهرهای مختلف ایران بازسازی و یا تشکیل گردیدند. بدین ترتیب در این دوره سازمان موفق شد در ۱۵۰ شهر یعنی اکثریت قریب به اتفاق شهرها ایران، تشکیلات خود را مستقر سازد.

در این دوره تشکیلات جوانان سازمان بر اساس اساسنامه سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثرت)، حدود خرداد ماه ۶۱ تجدید سازمان یافت و به نام سازمان جوانان فدایی خلق ایران (اکثرت) فعالیت خود را در سراسر ایران گسترش داد. سازمان جوانان هزاران فدایی جوان را به عضویت پذیرفت و در خود سازمان داد. در همین حال باید خاطر نشان ساخت که در سالهای ۶۰ و ۶۱ هیأت سیاسی متأسفانه با مراعزایم نیروهای کافی برای ایجاد و گسترش سازمانهای خارج از کشور توجه کافی مبذول نداشت.

پیشرفت کار و سیخ سازمان نگران در این سالها که علیرغم جوشید فشار و خفقان و تضيقات روز افزون دستگاه های سرکوب رژیم علیهم‌سازمان، صورت گرفته است پیروزی بسیار بزرگی برای جنبش انقلابی طبقه کارگر ایران بشمار می‌رود.

نظریه تغییر و وضع سیاسی کشور پس از بحران حاد سال ۶۰ و استقرار دستگاه های سرکوب رژیم، هیأت سیاسی به منظور تأمین امنیت تشکیلات بویژه امنیت اعضای کمیته مرکزی و کادریهای اصلی یک رشته تدابیر حفاظتی خاص را به اجرا گذاشت. هدف این تدابیر تأمین بردن و بی اثر کردن اطلاعات گردآوری شده

توسط رژیم درباره محل کار و زندگی و مراکز فعالیت دستگاه رهبری و ازین بردن امکان ضربه به دستگاه رهبری سازمان بود.

در این دوره نفوذ و فعالیت سازمان در محیط های کارگری تقویت شد و سازمان پیوند موثری با مبارزه کارگران و تشکل های آنان برقرار کرد. گسترش این پیوند ها در افزایش سهم کارگران در میان اعضای سازمان تأثیر داشت، در پایان سال ۶۱ سهم کارگران در میان کسب اعضا به ۲۰ درصد رسید. رشد سازمان جوانان نیز چشمگیر بود، به گونه ای که شمار اعضای آن با شمار اعضای سازمان برابر گردید. سهم زنان در میان اعضا سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) حد و ۳۳ درصد و در سازمان جوانان نزدیک به ۵۰ درصد بود. زنان همواره در سازمان ما چنین سهم قابل ملاحظه ای داشته اند.

دوره مورد گزارش مناسبات و همکاری های میان سازمان فدائیان خلق ایران (اکثرت) و حزب توده ایران بسط و گسترش قابل ملاحظه ای یافت. هیأت سیاسی در این زمینه قطعنامه پلنوم های اسفند ۵۹ و مرداد ۶۰ را راهنمای عمل خود قرار داده بود. در این زمینه باید خاطر نشان ساخت که بویژه اجرای قطعنامه پلنوم مرداد ۶۰ "مشاوره و همکاری میان دو سازمان را مورد نظر قرار می‌داد در نزدیکی و یگانگی نیروهای سازمان و حزب نقش قاطعی ایفا کرد.

با تهاجم جنایتکارانه و ناجوانمردانه رژیم جمهوری اسلامی به حزب توده ایران و تغییر بنیادین شرایط فعالیت سازمان، هیأت سیاسی بلافاصله یک سلسله تدابیر عاجل در جهت حفاظت جدی تر دستگاه رهبری سازمان و تأمین امنیت کادریهای اصلی اتخاذ نمود. هیأت سیاسی مهمترین وظیفه تمام سازمان را تلاش در راه تأمین شرایط ادامه کاری رهبری و حفظ کادریهای مسئول سازمان قرار داد. شکل کار حوزة ها و کمیته های سازمانی در جهت تطبیق با شرایط تازه تغییر کرد. تغییرات بنیادین در نحوه سازماندهی و ارتباطات نیروهای سازمان و برای تقویت مقاومت در برابر تشدید فشار و پیگرد پلیسی در دستور کار عاجل رهبری قرار گرفت. در اینجا باید یاد کرد که فدائیان و کارکنان ارگانها و هواداران سازمان در زمینه تأمین امنیت کمیته مرکزی و کادریهای مسئول آن و در رخنه کردن نقشه های رژیم علیه سازمان نقش به کلی بی بدیلی ایفا کرد.

رژیم برای نابودی قطعی سازمان ما نقشه های دور و درازی را در سرداشت. عمل اوین در تابستان و پاییز گذشته بر اساس اطلاعاتی که مدت ها برای گردآوری آن تلاش کرده بودند

یورش و سیخی را برای به دام انداختن کمیته مرکزی آغاز کردند. آنها وسیع ترین عملیات تعقیب و مراقبت و حداکثر استفاده از شکنجه اسیران را برای رسیدن به نیت پلید خود به کار گرفتند. این یورش عملاً هیچ نتیجه چشمگیری برای آنان نداشت. با اینهمه رژیم طی سه ساله اخیر به تدریج موفق شده است چند نفر را از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی و عده بیشتری از کادریهای مسئول سازمان را اسیر سازد و مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار دهد. از برخی از رفقای اسیر، از جمله از رفیق انوشیروان لطفی، از یک سال پیش تا امروز کوچکترین اطلاعی انتشار نیافته است.

تشکیل این پلنوم با حضور اکثریت قاطع اعضا و مشاورین کمیته مرکزی نشان می‌دهد که علیرغم بکارگیری همه حربه ها، رژیم در ستیابی به اهدافی که علیه سازمان ما فراروی خود قرار داده بود، شکست خورده است.

در طول سالهای ۶۲ و ۶۳ توجه عمده رهبری در زمینه مسایل سازمانی به کارست اشکال مناسب سازماندهی و ارتباطات تشکیلات سازمان در سراسر ایران معطوف بوده است. این روند هم چنان در حال پیشرفت است. ایجاد تغییرات ضروری در ساخت سازمانی و حفاظت نیروها از دستبرد پلیس بیشترین نیرو و انرژی کمیته های تهران و شهرستانها را در سال اخیر به خود اختصاص داده است.

پیشرفت موفقیت آمیز فعالیت سازمان نگران در دو ساله اخیر مقاومت تشکیلات را در برابر یورش های رژیم افزایش داده و شرایط فعالیت توده ای، تبلیغاتی و سازمان نگران را برای واحد های سازمانی نیز حفظ کرده است. با این وجود، در امر رهبری تشکیلات نقص هایی وجود دارد، هنوز باید مشکلات زیادی را حل کرد.

واقعیت نشان می‌دهد که سازمان ما کامیابی های بسیار چشمگیری در عرصه فعالیت سازمانی به دست آورده و توانسته است نقشه های دشمن را برای نابودی دستگاه رهبری سازمان و درهم شکستن تشکیلات آن خنثی سازد. حفظ دستگاه رهبری سازمان از رکن اهمیت دشمن که برای تداوم و فعالیت آن دارای اهمیت حیاتی است، پیروزی بزرگ جنبش کارگری و کمونیستی ایران است.

با تغییر و وضع و یورش سرکوبگرانه رژیم طی دو ساله اخیر وظایف پس سنگین تری در زمینه فعالیت تبلیغی و ترویجی بر عهده سازمان قرار داشته است. در این دوره تجزیه و تحلیل روندها و تحولات و وضع سیاسی و سمت گیری و سیاست حاکمیت، و وظایف ماد رزمینه افشای آن، اهمیت کلامی و ویژه ای داشت، هیأت سیاسی در این شرایط حاد به این وظیفه خطیر خود عمل کرد. در این رابطه بلافاصله هیأت سیاسی دور تازه ای از فعالیت تبلیغی و ترویجی را آغاز کرد. بولتن داخلی که در آن زمان یگانگی تربیت بیان مواضع و نظرات سازمان بود، تا پایان ۶۲ متداوم

تظاهرات در تهران

بقیه از صفحه اول

اما مردم نیز بدون آمادگی نبودند. بسیاری از مردم به این قصد به سمت ورزشگاه امجدیه راهی شده بودند که میخواستند تظاهرات ۱۷ مهر را تکرار کنند. آنها آمده بودند تا این بار نیز انزجار خود را نسبت به رژیم با شکل دادن به يك تظاهرات عظیم، آشکار سازند.

نیروهای سرکوبگر برای کنترل بیشتر، باز هم بیش از نصف جمعیت را (دست کم سی هزار نفر) به درون ورزشگاه راه ندادند و مدام از بلندگوها اعلام می کردند که "متفرق شوید! ساعت ۶ بعد از ظهر جریان مسابقه از تلویزیون نمایش داده خواهد شد." با وجود یورشهای مکرر ارگان های سرکوبگر، جمعیتی که به داخل ورزشگاه راه نیافته بود، اطراف امجدیه را خالی نکرد. آنها شعار می دادند و هرگاه که مورد یورش واقع می شدند، شعارهایشان آتشین تر می شد. در اواخر بازی حرکت مردم دیگر اوج گرفت.

جمعیت داخل و خارج ورزشگاه هم زمان شروع به دادن شعار علیه رژیم کردند. کمیته چپ ها با کینه بیشتری دست به حمله زدند. مردم نیز به مقابله برخاستند.

این بار مردم در شعارهایشان مستقیماً سردمداران رژیم را نشانه گرفته بودند. شعارهای این تظاهرات اعتراضی از همان آغاز نیز شعارها سیاسی بود. مردم همه نفرت خود را علیه رژیم و سردمداران خیانتکار آن، در قالب

شعارهایی آتشین فریاد می کردند.

همه آن پیش بینی های رژیم برای جلوگیری از تبدیل این اجتماع ورزشی به تظاهرات اعتراضی، بی نتیجه ماند. گروه های تظاهرات کننده، با خشم و خروش در خیابان های اطراف امجدیه به راه افتادند. تعداد زیادی از آنان به سمت جنوب، به سوی میدان مخابرات و لسه به حرکت درآمدند. رژیم برای اینکه بتواند این سیل توفنده را از رفتن باز دارد، از همه وسایل خود بهره گرفت. نفرت سرکوب دست به تیراندازی زدند. رژیم به هر قیمتی بود بالاخره توانست خیابان های اصلی را در کنترل خود بگیرد. اما تا ساعت ها مردم به طور پراکنده به تظاهرات ادامه دادند.

گفته می شود در نتیجه تیراندازی پاسداران ۶ تن از تظاهرکنندگان کشته شدند. رقص مجروحین به دهها نفر می رسد. از تعداد دقیق کسانی که دستگیر شدند، هنوز اطلاعی به دست نیامده است.

این تظاهرات یکبار دیگر نفرت عظیم مردم را از رژیم جمهوری اسلامی جلوه گر ساخته است. مردم دلیر تهران با اینکه تردیستی

نداشتند که رژیم با رگبار مسلسل، به مقابله بر خواهد داشت، اما با زهراسخ خیابان های تهران را در زیر پای های استوار خود بسه لرزه در آوردند. به دنبال رویدادهای ۷ مهر امجدیه، این مهم ترین تظاهراتی بود که در تهران با استفاده از اجتماعات ورزشی برپا شد.

رژیم، پس از تظاهرات ۱۷ مهر بسا

تعطیل تمام مسابقات فوتبال باشگاه های تهران، کوشید امکان تجمع تظاهرات را از مردم بگیرد. اما در شهرستان ها که مسابقات ادامه یافته بود تظاهرات امجدیه تکرار شد. در شیراز، در گیلان و در اهواز.

در اهواز، دو هفته قبل در جریان مسابقه تیم های " بدر " و " تقوی "، در حالیکه مسابقه به آرامی جریان داشت، شعارهای تماشاکران تندی گرفت و تدریجاً به شعارهایی علیه مسئولین دولتی تبدیل گردید. با پایان مسابقه مردم حاضر در ورزشگاه، در حالیکه شعار می دادند به حرکت درآمدند. پاسداران

و نفرت پلیس که به حالت آماده باش در داخل و نیز اطراف ورزشگاه مستقر بودند، به تظاهر

کنندگان حمله ور شدند. جمعی مضروب و جمعی بازداشت گردیدند. بلافاصله اعلام شد که در اهواز نیز مسابقات فوتبال باشگاهی تا اطلاع ثانوی برگزار نخواهد شد.

به دنبال تظاهرات اهواز و حرکات

اعتراضی چشمگیر مردم تهران در دوم آذر، مقامات امنیتی رژیم مقرر گشته اند که همچنان از برگزاری مسابقات فوتبال جلوگیری کنند. تجمع مردم حتی در شکل های ساده آن، رژیم را به وحشت می افکند. اما خلقی که در جریان انقلاب با ابتکارات کم نظیر و درخشان خود دشمن را انکشت به دهان گذاشته بود، اکنون نیز با ابتکاراتی شگفت، ارتجاع را آچمز می کند. واکنش خشونت بار رژیم در برابر حرکات اعتراضی مردم، تنها نتیجه ای که دارد گسترش و تعمیق این حرکات است.

مهمترین مواضع اعلام شده سازمان نیز در کشورها مختلف در اختیار نیروهای ترقی خواه قرار می گیرد.

درد و ره مورد گزارش به دلیل شرایط موجود در زمینه انتشار نشریات ترویجی کار چشمگیری صورت نگرفته است. در این رابطه فقط باید انزشریه " آمو رشیهای از انقلاب و سوسیالیسم " نام برد که پس از چند سال وقفه از اوایل سال جاری مجدداً انتشار یافته است. هیات سیاسی تلاش می کند فعالیت ترویجی سازمان را در جهت پاسخ گویی به نیازهای جنبش وسعت بخشد.

چنین است سیمای عمومی ارزیابی ها، سیاستها و فعالیت هیات سیاسی کمیته مرکزی در دوران مورد گزارش. از جانب هیات سیاسی از توجه کمیته مرکزی به گزارش هیات سیاسی تشکر و برای مردم زحمتکش ایران پیروزی آزادی، رفاه آرزوی کنیم.

مرگ برهرا بهایسیم و ارتجاع پیروز باد مبارزه مردم ایران در راه صلح، استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) مهرماه ۱۳۶۳

نیرومند است که کسی رایاری اعتراض نیست، بخش وسیع تراحتها، اعلامیه ها و دیگر مواضع گیرهای سازمان هر روز، اهمیت بیشتری کسب می کند. هیات سیاسی با توجه به اهمیت تبلیغیه وسیله تراکت و همچنین شعارنویسی و پخش اعلامیه در این زمینه رهنمود های خود را به نیروهای سازمان ابلاغ کرده است. واحدهای تشکیلات توده و سیخ هواداران از این رهنمود استقبال کرده اند. هم اکنون تلاشهای فدائیکاران و اعضا و هواداران نام پرافتخار سازمان ما، نام سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را در جنبش توده ای زحمتکش میهنمان طنپنمن افکن می سازد و نقش و تاثیر آن را در روند رویدادها گسترش می دهد.

با این حال باید گفت علیرغم همه کارهای انجام شده در این زمینه هنوز زیاد کارهای زیادی انجام دهیم. مساله مهم در این زمینه یافتن راههای گسترش دامنه و افزایش بازده فعالیت تبلیغی در این شرایط خفقان است. فعالیت تبلیغاتی در خارج از کشور نیز در طول دو ساله اخیر گسترش یافته است. نشریه " اکثريت " با محتوای تبلیغی سیاسی بطور هفتگی منظم انتشار می یابد و در سطح بیش از بیست کشور جهان توزیع می شود. ترجمه

انتشار می یافت و در سراسر کشور توزیع می گردید. به علاوه اعلامیه ها و بیانیه های کمیته مرکزی در باره حادث ترین مسایل کشور در دوره مورد گزارش در پاسخ گویی به نیازهای جنبش انتشار یافته و توسط نیروهای سازمان به میان مردم پورده شده است. بعلاوه در یک سال اخیر و صاحب مهم تحت عنوان " مسایل انقلاب و مواضع ما " در شهریور و دیهمن ۶۲ نیز انتشار یافته و در سراسر کشور به وسیله شکل ممکن چاپ و پخش شده است. این صاحبیه هادرتوضیح رویداد های کشور و تجهیز نیروها نقش موثری داشته است.

از همه مهمتر انتشار دوره جدید نشریه " کار " ارگان کمیته مرکزی سازمان است. " کار " پس از دو سال وقفه از نو انتشار یافت و در کار بسیج و تجهیز نیروهای سازمان نقش حیاتی برعهده گرفت. هم اکنون همه ماهه " کار " به کوشش خلاقانه واحدهای تشکیلات در هزاران نسخه چاپ و در سراسر کشور توزیع می شود. در حال حاضر کارگانه نشریه انقلابی در ایران است که در این شرایط خفقان و سرکوب در این سطح وسیع منظم انتشار می یابد. در شرایطی که رژیم به دروغ مدعی است همه سازمانهای انقلابی را نابود کرده و آنقدر

کارخانه "کانادادرای" پس از سرکوب

بقیه از صفحه اول

قرار شده است پانصد تن از کارگران این شرکت اخراج شوند. از دیگر شایعات آنهاست این بود که حکم اعدام ۲۰ تن از کارگران زندانی صادر و برای تأیید نهائی به قلم فرستاده شده است.

در این کارخانه اعضاء انجمن اسلامی که در جریان اعتصاب از طریق جاسوسی و خبرچینی با ارگان های سرکوب همکاری می کردند، از هر زمان دیگری بیشتر مورد نفرت و تنزیح کارگران قرار گرفته اند. آنها در هراس از واکنش خشمگین کارگران ناچار شده اند با اتومبیل و همراه با محافظ آمد و رفت نمایند.

فعالیت های افشاگرانه فدائیان خلق علیه جنایت ننگین ارتجاع در شرکت ساسان، همچنان با پیگیری ادامه دارد. این فعالیت ها که از همان بدو اعتصاب آغاز شده بود، توانست توپنه سدوت رژیم را خنثی کرده و آنان را رسوا نماید. اعلامیه ها و تراکت های

فدائیان خلق در افشای این سرکوب بربرمنشانه و در پشتیبانی از کارگران اعتصابی به گونه ای گسترده در شهرهای مختلف ایران پخش شده است. ما پیش از این نمونه ای از آن را در "اکثريت" به چاپ رسانده بودیم. در این شماره اعلامیه دیگری را درج می کنیم که در همراه از سوی فعالین فدایی به منظور افشای رژیم جمهوری اسلامی و در دفاع از کارگران زندانی پخش گردید.

زنده باد مبارزه قهرمانانه کارگران شرکت ساسان (کانادادرای)

هموطنان مبارز!
کارگران و زحمتکشان!

رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی، مبارزه برحق کارگران شرکت ساسان را به خون کشید. کارگران این کارخانه برای افزایش دستمزد، پرداخت پاداش افزایش تولید و به عنوان اعتراض

به کسر دستمزد و سرکوب شدن برای جنگی، دست به اعتصابی یکپارچه زدند. نیروهای سرکوب رژیم به کارگران اعتصابی وحشیانه حمله نمودند. اما کارگران نیز با صغوفی فشرده، متقابلاً به مقاومتی قهرمانانه دست زدند. در جریان این درگیری عده ای از کارگران زخمی و عده ای نیز دستگیر شدند. کارگران بازداشت شده مدتی است که در سیاهچالهای رژیم مورد وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفته اند. کشتار، زندان و شکنجه، چنین است پاسخ حکام مرتجع جمهوری اسلامی به حق طلبی کارگران.

برادران و خواهران کارگر!
صدای اعتراض خود را علیه این بربرمنشی زمامداران جمهوری اسلامی بلند کنید! آزادی کارگران دربند را بخواهید! با الهام از این مبارزه یکپارچه و بطور متحد و متشکل به مبارزه در راه خواست های حق طلبانه صنعتی، اجتماعی و سیاسی خود برخیزید! فراموش نکنید که تنها صغوف متحد، متشکل شما می تواند سد محکمی در برابر نیروهای سرکوب رژیم بوجود آورد.

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

حادثه اخیر منزای برلین غربی را محکوم کنیم
تفرقه میان نیروهای مترقی را امپریالیستها و مرتجعین خواستارند

دامن زدن بر اختلافات موجود بشود، پیامد آن برای مردم چه خواهد شد؟

روند تشدید تفرقه که این افراد در خارج از کشور بیدان پرداخته اند، باروندی که در کشور می گذرد، بکلی در تقابل است. به رغم تشبیهات مذبحخانه دشمنان مردم، در همه عرصه های رزم در کشور، نیازهای عینی جنبش رزمندگان راه مردم را به نزدیکی باید یکدیگر فراموش نکنند. تجلی پرشکوه این روند در زندان های رژیم دیده می شود که مسئولین سازمان های سیاسی مترقی با حفظ نظرگاه های متفاوت، هرچه بیشتر همبسته می شوند.

به نظر ما هیچ اختلافی در سطح جنبش وجود ندارد که با بحث و مذاکره از سرشکبایی حل نشود. گریز از این شیوه اصولی حل اختلافات، به معنی گریز از انجام آن بخش از وظایفی است که در راستای وحدت نیروهای خلقی برعهده هراس زمان و عنصر مترقی است. توسل به وسایل ضد مکتبیک در برخورد با اختلافات، مستقیماً به آسیب امپریالیسم و ارتجاع می ریزد.

ما این اقدامات تحریک آمیز را محکوم کرده و برای مذاکره جهت اتخاذ تدابیری بسزای جلوگیری از بروز این گونه حوادث سو، ابراز آمادگی می نماییم. ما سازمان های سیاسی مترقی و مردمی را به برداشتن گامهایی در این جهت فرامی خوانیم.

دانشجویان هوادار

سازمان فدائیان خلق ایران

(اکثريت) - برلین غربی

شده شیخ فضل الله نوری تادارودستگاه سوها و پان ایرانیست و چاقو کش های شعبان بی مخ و بعد ها چماق دارهای زهراخانم و هادی غفاری، دوستان مردم چگونه می توانند خود را با این ناشایستگی آلوده کنند؟

کسانی که این حق را برای خود قائل می شوند که بنابه ضوابط خود ساختن، حق فعالیت سیاسی را از این یا آن گروه سلب و آنها را "منحله" اعلام نمایند، آیینی توانند در باند پایان راهی که اینگونه آغاز کرده اند کجا خواهد بود؟ آیا به تشابه حیرت انگیز و شهاب و وسایلی که به کار می گیرند بارو شهابی مردم اندیشیده اند؟

ما تو جمان تفرقه افکنان را به این نکته جلب می کنیم که لهیب سوزان نفرت کوری که به پای می کنند، سرانجام و قبل از همه دامن خود آنها را می گیرد. به هیچ رو آنها نمی توانند انشعاب، در میان دستجاتی که این روشها را به کار می گیرند، اتقاقی نیست. آن جریاناتی که ایجاد تفرقه و تشتت در کل جنبش را در دستور کار خود قرار داده اند، به ناکزیر باید همچنان انشعاب و افتراق مدام در میان خود را بپذیرند. ما بار دیگر از آن کسانی که به کاربرد چنین روشهایی تمکین می کنند، می خواهیم به زوایای مختلف این عمل ببینید. اگر این اقدامات نفاق افکنانه و ستیزه جو یانه به مقصود برسد، اگر نیروی جنبش به جای تلاش برای ایجاد فضایی تفاهم آمیز برای حل اختلافات، صرف

حادثه روز جمعه ۲۳ نوامبر منزای دانشگاه برلین غربی، یک بار دیگر زشتی روهی ناشایستی را که گروهی از نیرووان برخی از سازمان های سیاسی در پیش گرفته اند، به نمایش گذاشت. در این روز کسانی که به هواداری از یکی از گروه های سیاسی چپ شهر هستند، به تنی چند از هواداران گروه دیگری که در محل منزای دانشگاه، به توزیع نشریات خود مشغول بودند، حمله کرده و ضمن پاره کردن نشریات، این افراد را شدیداً مورد ضرب و شتم قرار دادند. کاربرد چنین روشهایی از سوی چماق داران رژیم جمهوری اسلامی و تقاله های بازمانده ساواک، کاملاً قابل فهم بوده و پراز نسنده آنهاست. آن جهنم سیاهی که آنان به پا کرده و یاد و باره تدارک می بینند، با کاربرد این روشها ملازمه دارد. اما کسانی که بایسد راه رهایی مردم از یوغ امپریالیسم و ارتجاع تلاش ورزند، چگونه می توانند بکارگیری این شیوه ها را توجیه نمایند؟ نمی توان ذره ای از عقل سلیم برخوردار بود و گمان کرد که کاربرد این روشها سودی برای مردم در پی خواهد داشت. محرکین این رویداد تا سف پارتنی توانستند تردیدی داشته باشند که این بلواتها مرتجعین و باند های وابسته به امپریالیسم را شادمان خواهد کرد. چگونه می توان دل با مردم داشت اما از چنان رخداد هایی شادمان شد که شناخته شده ترین دشمنان مردم را خرسند می سازد؟ حره چماق رادرایران همواره دشمنان مردم به کار گرفته اند، از او با شاجسیر

۱۶ آذر، روز تولد فریاد خاموش ناشدنی جنبش دانشجویی ایران: "اتحاد، مبارزه، پیروزی!"



بزرگ نیا شریعت رضوی قندچی

قیام کننده برآمد قدرتمندی یافت. جنبش دانشجویی با شرکت فعال و همه جانبه در مبارزات ضد امپریالیستی، دموکراتیک مردم و در مبارزات قهرمانانه ای که به انقلاب شکوهمند بهمن و سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید، عمق و اعتلا یافت و به سهم خود در تعمیق و اعتلای جنبش توده ای نقش موثری ایفا کرد.

در همه این سالها با سرنگین پیشبرد جنبش دانشجویی برشانه های استوار فداییان، توده ایها و مجاهدینی قرارداد داشت که اینک چنین مورد کین بهیمی مرتجعین حاکم قرار دارند. در همه این سالها زمین کسانی که اینک در قدرتش نشسته اند و هم سنخ هایشان، ندرتا افرادی دیده می شدند که با جنبش همراهی می کردند. همه همت آنان ایچساد انجمن هایی بود که نفاق افکنی در میان دانشجویان، راه هدف خویش قرار داده بود.

پس از انقلاب بهمن دیری نماند که هجوم سنگین رژیم جمهوری اسلامی به دانشگاه آغاز شد. فجاجی و مصائبی که این رژیم در دانشگاه، به بار آورد چنان ابعادی یافت که مانند آن هیچگاه پیش از آن دیده نشده بود. مرتجعین با توسل به سرکوب خونین سران دارند تا دانشجویان را از مبارزه بازدارند اما بیگانه "جنبش دانشجویی زمین آتش و خون دو باره برمی خیزد و دانشگاه جای واقعی خود را در جنبش انقلابی ایران بازخواهد یافت" (کار شماره ۱۰)

جنبش دانشجویی ایران با آن همه تجارب و سنتهای پر ریشه مبارزاتی و با آن تعهد عمیق به منافع توده های مردم هیچگاه تسلیم ارتجاع نخواهد شد. هر اندازه دایره کزینشها تنگ، دامنه اخراجها گسترده و شیوه های سرکوب خشن تر گردد باز درد ارتجاع حاکم درمان نخواهد شد. وجود و اعتلا، جنبش دانشجویی، از یکسو و در درجه نخست، ریشه در تضاد های آشتی ناپذیر و طبقاتی دارد و از دیگر سو ریشه در تضاد علم و محیط علمی با تاریک اندیشی و جهالت و همین است ریشه کینه و ترس رهبران جمهوری اسلامی از دانش و دانشگاه و دانشجویان. در این زمینه ارتجاع حتی به آن دانشجوی سیمیه نهاد و منتخب خود، دشر نیز نمی تواند اعتماد کند.

رزم پرشکوه دانشجویان حول شعار دیرین "اتحاد، مبارزه، پیروزی" ادامه می یابد.

عظیم دانشجویان و مردم به طرف این بایویه، اثرات افشاگرانه پر دامنه ای بر جا گذاشت.

اعتصاب و تظاهرات دانشجویان در سال ۴۸ در اعتراض به احکام صادره برای انقلابیون از طرف دادرس ارتش، افشاکاری و تظاهرات وسیع ضد صهیونیستی دانشجویان و مردم بهنگام مسابقات فوتبال آسیایی در تهران و بویژه تظاهرات و اعتراضات خیابانی دانشجویان نسبت به گرانی بلیط اتوبوسهای شرکت واحد که از حمایت قهرهای و سیخی از مردم تهران نیز برخوردار گشت و رژیم را به عقب نشینی واداشت، از صفحات درخشان مبارزات دانشجویی در این مقطع است. در تمام این سالها دانشجویان با فداکاری و احساس مسئولیت و غیرمخشم و دانشکندی ایادی رژیم یاری رسان دلسوز مردم در لایا و مصیبت های طبیعی بودند. تلاش های شریخشان در جریان سیل چوادیه، زلزله های بوئین زهرا، قیروکازرین، کاخک و طبس از نمونه های شایان ذکر در این زمینه است.

پس از سال ۴۹ جنبش دانشجویی گسترش، رمزنگاری و اوج نوینی یافت. تا بدان حد که بسیاری از رزمندگان فداکار و استوار جنبش، در درون مبارزات دانشجویی پرورش یافتند.

از همان آغاز سال ۵۰ اعتصابات و تظاهرات وسیع و سراسری دانشجویان دانشگاهها و مدارس عالی در حمایت از سازمانها و تجلیل از مبارزه دلیرانه فداییان خلق و محکوم ساختن اعدام جنایتکارانه گروهی از فداییان در اسفند ماه ۴۹ صورت پذیرفت. به دنبال این تظاهرات، گارد شهربانی، برای اولین بار پس از قریب ده سال دانشگاهها را به اشغال خویش درآورد. از تابستان همان سال رسماً در تمام مدارس عالی و دانشگاهها واحد های گارد استقرار یافتند. از آن پس و در تمام دوران ۷ ساله تا انقلاب بهمن، یک دم دانشجویان و دانشگاه در مبارزه بر علیه رژیم سرسپرده امپریالیسم نیاسودند. هیچ سال و ترم دانشگاهی نبود که شاه هدا اعتصابات، تظاهرات و جنگ رود روی دانشجویان با عوامل سرکوبگر رژیم نباشد. چه بسا دانشگاهها و دانشکده هایی که ترمهایی از آن و گاه بطور متوالی منحل اعلام گشت.

سالگرد های خونین ۱۶ آذر، ایمن معادگاه همیشه دانشجویان رزمنده و انقلابی نیز با شکوهمت رایش شاه هدا اقدامات افشاگرانه و رسواگرد دانشجویان بر علیه رژیم ستشاهی و ظنین فراخوان و فریاد اتحاد، مبارزه، پیروزی دانشجویان بود.

بارشد جنبش توده ای، امواج مبارزات دانشجویی در ربای توفنده خشم توده های

باردیگر ۱۶ آذر، روز دانشجوی، روز به خون غلظیدن سه دانشجوی مبارز انقلابی، روز وحدت و مبارزه، روز رزمجویی و افشاکگری دانشجویان ایران فراسیاد.

۱۶ آذر ماه ۱۳۳۲، در حالی که کمتر از ۴ ماه از کودتای آمریکایی شاه می گذشت، دانشجویان دانشگاه تهران، بخاطر اعتراض به ورود نپسون معاون رئیس جمهور وقت آمریکا، دست به تظاهرات زدند. به دستور شاه جلااد تیپ ۲ زرهی ارتش به دانشگاه تهران یورش برد و صف دانشجویان را در مدخل دانشکده قنسی به گلوله بست. در این حمله و حشیانه ۳ تن از دانشجویان، مصطفی بزرگ تیا عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی هوادار دترمه صدق به شهادت رسیدند.

پس از این حادثه خونین، ۱۶ آذر در تاریخ جنبش دانشجویی کشور جایگاه ویژه ای یافت. دانشجویان مبارز انقلابی ایران، در این روز که روز دانشجوی نامیده شد ضمن گرامیداشت خاطره شهدای دانشجوی، به افشای جنایات، خیانتها و دمنشی های حکومت سرسپرده شاه می پرداختند.

در سالیان درازی که شاه مزد و بر تمام پهنه ایران گرد مرگ می پاشید و هر صدای حسیق طلبانه ای را در گلو خفه می ساخت، در شرایطی که عوامل ساواک با هزاران تمهید و جنایت و پسا شکنجه و زندان از هر تجمیع دانشجویی، از پیوند جنبش دانشجویی و جنبش توده های و از هر حرکت دانشجویی جلوگیری می کردند. در سالهایی که کماند و ها و چتریان ارتش و نیروهای گارد به و حشیانه ترین شکل به تجمع های دانشجویی و دانشکده های پرورشی می بردند. دانشجویان رزمنده و انقلابی ندای افشاگرانه و حق طلبانه خود را که انعکاسی از فریاد خلقی ستدیده و غارت شده بود را با قدرت فریاد می کردند.

راه سرخ جنبش دانشجویی فرازهای افتخار آفرین زیادی داشته است که برخی بویژه در ارتباط با پیوند یافتن آن با جنبش توده ای برجستگی خاصی دارند. این راه سرخ پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ در مقابل حکومت کودتا در ۱۶ آذر و پس از آن در مبارزات سالهای ۴۲-۳۹ برجستگی می یابد. از سالهای ۴۶ به بعد دیگر باید از امواج دانش افزاییش یاد کرد و جنبش دانشجویی سخن گفت. تظاهرات فراگیر و گسترده مربوط به شهریه در بهار سال ۴۶ آغاز این امواج کوبنده است. در همین سال تظاهرات وسیع و افشاگرانه دانشجویان در تبریز گداشت جهان پهلوان تختی و راهپیمایی

از میان نامه‌ها

وضعیت کارگاههای کوچک

بعد از انقلاب، بر تعداد کارگاههای کوچک افزوده شد. این کارگاهها مثل قسارج از زمین می رویدند و پاکفترین امکانات شروع به کاری کردند. در بسیاری موارد بازاریها اقدام به تاسیس چنین کارگاههایی می کرد و اکنون نیز بازاریهای قلمرو مستقیماً فرمان می راند و نوع تولید و میزان تولید آنرا معین می کند.

متوسط تعداد کارگران شاغل در اکثر این کارگاهها زیر ده نفر است. میزان استهلاک آنها به شکل وحشتناکی بالاست. پیوستگی این بخش با بخش توزیع این گرایش طبیعی را پدید می آورد که از نرخ سودی برابر نرخ سود در تجارت برخوردار باشد و گرنه طبق قاعده ای همانند قانون ظروف مرتبطه در فیزیک، سرمایه به سمت حوزه توزیع که در حال حاضر زیادهترین نرخ سود برخوردار است، جاری خواهد شد. صاحب کاری که سود در عرض یک سال سودی بالغ بر مجموع سرمایه او لیه به دست آورد، پایین بودن ترکیب ارگانیک سرمایه، خود به خود موجب می شود که فشار فوق العاده ای بر روی نیروی انسانی وارد شود و استهلاک زیاد و حشمتناکی بیاید.

شرایطی ایمنی در این کارگاهها فوق العاده پایین است. روزی نیست که مثلا در پرس کارهای حول و حوش جاده قدیم کرج، انگشتان دست کارگری زیر دستگاه قطع نشود. استخدام کارگران نوجوان بی تجربه بر میزان ضایعات ناشی از کار می افزاید. از بیمه نیز مطلقاً نمی توان حرفی زد. تقاضای یک کارگر برای بیمه شدن، اخراج حتی او را در پی خواهد داشت. سرمایه داران ترجیح می دهند به چیزی که دو کارگر متخصصی که برای چرخاندن کارگاه احتیاج دارند بقیه را مرتب اخراج کرده و کارگران تازه ای را استخدام کنند تا سابقه کار، تقاضای افزایش دستمزد، بیمه و شرایط کار بهتر را زنی نداشته باشد. وزارت کار با رغبت رفدان پرونده ازسیدگی به هرگونه شکایت کارگران خودداری می کند. بسیاری از کارگران کارگاههای کوچک را

کو دکان و نوجوانان تشکیل می دهند. دستمزد آنها گاه منحصراً پول ناهاری است که به آنها پرداخت می شود. در این حال صاحب کار به این بهانه که شاگرد و کارآموز استخدام کرده است کارگران جوان را تا حد اکثر امکان استهلاک کرده و پاکو چکترین بهانه ای اخراج می سازد. در کارگاههایی که تولیدشان به صورت سری کاری است و توان بدنی بالایی را لازم ندارند، استخدام کارگران زن بر کارگران مرد ترجیح داده می شود، چراکه به کارگران زن مزد کمتری پرداخت می شود و این گمان وجود دارد که زنان کمتر از مردان نسبت به کمبود مزد و بسدی شرایط کار، اعتراض می کنند.

نامه ای که در زیر نظران می گذرد بخشی از نامه بلندی است که یک رفیق کارگر زن برای ما فرستاد و به توصیف وضعیت چند کارگاه کوچک اختصاص دارد.

کارگاههای کوچک دائماً در حال گسترشند. بازگذاشتن دستتجارت بزرگ در امر واردات کالا و ورود مداوم مواد اولیه، بر میزان کارگاههای کوچک افزوده است. این کارگاهها اکثراً زیر ۸ نفر کارگر در استخدام خود دارند. در بسیاری از کارگاههای تهران اکنون کارگران راجو آنان دیپلمه تشکیل می دهند چرا که دیپلمه ها را در کارخانه ها استخدام نمی کنند. در خیلی از کارگاهها کارگران زن به کارگماشته شده اند. به نظر کارفرماها به زنان راحت تر می شود زور گرفت. از آن گذشته پای سربازی در میان نیست. اخیراً سپاه مرتب به کارگاهها سر می زند تا هم پسرانی را که از رفتن به سربازی خودداری می کنند و هم عناصر سیاسی را دستگیر کنند.

در کارگاههای کوچک به سادگی کارگر را اخراج می کنند. من خودم در عرض یک سال اخیر سه کارگاه عوض کرده ام. اول در کارگاهی کاری کردم که پوشک بچه تولید می کرد. به ازای ۹ ساعت کار شاق که به صورت کارمزدی بود - به زور ماهیانه ۲۵۰۰ تومان دستمزدی را می گرفت. صاحب این کارگاه یک ساواکسی بود که بعد از انقلاب با پول و پله ای زیادی که داشت چند کارگاه مختلف و از جمله این یکی را راه انداخته بود و در عین حال در یک اداره هم کاری کرد. من یک بار پرسیدی مواد اولیه که کاملاً آلوده بودند، با او دهن به دهن شدم. همواره نگران بودم که بچه های نوزاد ممکن است بر اثر استفاده از این پوشکها - که می دیدم از چه موادی و با چه شیوه غیر بهداشتی تهیه می شوند - مریض شوند و مثلاً بیعاریهای پوستی بگیرند. مردک در برابر اعتراض من چهره اش پرا فروخته شد و بعد از دادن یک فحش رکیک گفت: "به تو مربوط نیست. اگر می خواهی وجدانت آسوده باشد از فردا تشریف بیاور!"

بعد از مدتی دو ندگی در یک لوستر سازی استخدام شدم. صاحب کارگاه حاج آقای بود که هم مغازه بزرگی داشت و هم در مسجد و کمیته محله شان صاحب بریایی بود. در این کارگاه ۶ نفر دختر و ۳ نفر مرد کاری کردند. در میان دخترها و نفریسانسه نیز وجود داشت یکی لیسانس جامعه شناسی بود و یکی لیسانس فیزیک. هیچ کدام نتوانستند به عنوان معلم اضافی تحقیق عبور کرده و به عنوان معلم استخدام شوند و برای گذران زندگی ناچار

شده بودند با ماهی حدود ۲۰۰۰ تومان بسازند.

همه پورسانتی کاری کردیم از صبح تا ۵ بعد از ظهر و بعضی وقتها هم بیشتر. یکنواختی و شدت کار طاقت فرسا بود. ظهر نیم ساعت و وقت ناهار خوردن داشتیم و صبح ساعت نماز اجباری. حاج آقا دستور داده بودند که همه باید نماز بخوانند در غیر این صورت معلوم می شود به قول خودش "از این کارها هستند که الان زیرزمینی کاری کنند و اینجا قایم شده اند."

حاج آقا که وارد کارگاه می شد من از شدت خشم و نفرت متشنج می شدم. او با نگاه و قیچی تک تک ما را برانداز کرده و مرتب امرو نپی صادر می کرد. گاهی نیز به ارشاد می پرداخت و در مورد خوب بودن اوضاع مملکت داد سخن می داد. برخورد او با یکی از دخترها خیلی زننده بود. او سرخ می شد و نمی دانست

چگونه باید جواب آن مردک بی شرم را بدهد. یکبار هنگام پایان کار حاج آقا سرسید و به آن دختر گفت چرا کارش را تمام نکرده می خواهد برود. و بعد از او خواست چون می خواهد لوسترها را تحویل بدهد بیشتر کار کند. وقتی دیدم دختر به ناچار پذیرفت من هم که شکم برداشته بودم دگتم حاضرم بمانم و به او کمک کنم. او با حالت تنسیدی گفت: "لازم نیست خواهی!" من با بقیه از کارگاه خارج شدم، ۲۰ دقیقه بیرون کارگاه معطل کردم و خواستم به یک بهانه به آنجا برگردم که دیدم خود همکاران از کارگاه خارج شد در حالی که چشمهایش معلوم از اشک بود، و وقتی از او جریان را پرسیدم گفت حاج آقا به او پیشنهاد کرده صیغه اش بشود!

فردای آن روز، آن دختر دیگر سرکار نیامد، اما من رفتم و جریان را با دیگران در میان گذاشتم. از صحبت با دیگران فهمیدم قبلاً هم حاج آقا به دیگران از این پیشنهاد ها داده بود.

وقتی حاج آقا به کارگاه آمد، او را شستیم و کنار گذاشتیم. او مرتب دم از اسلام زد و می گفت که خلاف شرع رفتار نکرده و تازه دلش برای آن دختر سوخته بود. وقتی که دیدم یکی دیگر از همکارانم کوتاه نمی آید از تهدید و اردش شد و گفت: "مگر شما لا مذهب و کافر و منافقید که اعتراض می کنید!" و بعد مسئولیت های خود را در کمیته و مسجد به رخ ماکشید. باز هم کوتاه نیامدییم ولی حساب کار خود را کردیم. همان روز حاج آقا غذا را خواست. بقیه کارگران زن نیز طبعاً هم احتیاجشان آن کل را هر کار کردند.

الان من در کارگاهی کاری کنم که صاحبش دو برادرند که به تازگی از المان به ایران پسان گشته اند. در این کارگاه ۱۰ نفر کاری کنند. بیشتر سروکارمان با قلع است. ده دقیقه که از شروع کار می گذرد بر اثر دق و قلع، نفس کشیدن مشکل می شود. کارگاه مادر یک زیرزمین نورو تاریک قرار دارد. شرایط کار باعث شده پوست صورتان

واپس گرایان و زبان فارسی

برای زبان فارسی، چه نقشه‌ای درس‌دارند

برای زبان فارسی، نقشه شومی را در سر می‌پرورانند. دیوان وارونه کار بر این نقشه شوم، برنامه " تقویت زبان فارسی " نام نهاده اند. حداد عادل در این باره می‌گوید:

" متخصصان و کارشناسان ادب فارسی ما باید پیشاپیش برای رشدی (۱) که در انتظار زبان فارسی است آماده باشند. تدریس زبان عربی... تا پایان دوره متوسطه الزامی است... بنا بر این دانشجویانی که تا دو سه سال دیگر وارد دانشگاه‌ها می‌شوند، کسانی هستند که قاعدتاً ۸ سال زبان عربی را خوانده‌اند. این یک واقعیت است که باید آن را تصدیق کرد و ارتباط آن را با وضعی که ادبیات فارسی در آینده خواهد داشت، بررسی نمود... اکنون وظیفه ما این است که از این انسی که مردم ما با زبان عربی دارند، حسن استفاده کنیم و این زبان را... برای تقویت زبان فارسی به کارگیریم بدینسان هدف از برگزاری سمینار " نکشارش فارسی " آشکار می‌شود: چگونه دستاوردهای تلاش برجسته‌ترین نویسندگان و ادب‌شناسان معاصر باید لگد کو بشود، چگونه باید این " کاخ بلند " دوباره به تصرف قاهوس عرب درآید تا به گفته زادن فرخ در خطاب به صالح بن عبدالرحمن یکی از نخستین عربی‌زادگان ایران (اواخر سده یکم هجری) " ریشه پاری برکنده شود ".

دلایلی که مثلاً حداد عادل برای " تقویت " زبان فارسی از راه چارطاق کردن دروازه‌ها به روی واژه‌های عربی در برابر ما می‌نهد، بسیار پیش‌پا افتاده و کودنانه است. جنبش " فارسی‌گویی " و " فارسی‌نویسی " سالها پیش با این دلایل برخورد کرده و بدان پاسخ گفته است. حداد عادل می‌گوید برخورداری از قاهوس عرب بر عدد لغات مترادف می‌افزاید و از این طریق زبان را توانا می‌سازد، اصطلاحات علمی با کاربست واژه‌های عربی " تشخیص و تعیین " می‌یابند و بدینسان " در علوم از زبان عوام فاصله گرفته می‌شود. " پاسخ دلیل اول روشن است: دستاوردها تلاشهای این چند دهه نویسندگان برجسته ما نشان می‌دهد که زبان فارسی خود می‌تواند از طریق گنجوازه غنی خویش که بخششی از آن در زیر گرد و غبار اعصار و قرون (تسا حدی بر اثر ندانم کاریها، ازجا بدرشدنها، و یا خیانتهای همتایان صالح بن عبدالرحمن) از دیده‌ها پنهان مانده، به میزان چشمگیری نیازهای خود را برآورده ساخته و زبانسی در مجموع توانا گردد. آنکه که پایه کار نیرومند ساختن این زبان نهاده شود، فارسی می‌تواند برخی از الفاظ آشنای عربی را نیز

بخش آخر

در خدمت خود گیرد. زبانی که بدینسان تقویت شود زبانی است ساده و در همان حال توانمند برای ورود در گستره بی‌کرانه دانش.

دلیل دوم و سوم حداد عادل ریشه‌های تاریخی دارند. با عبارات عربی، " عوام قریب شده و کسب و کار حضرات معین‌الیکاء جلوه‌ای از آلود و آسمانی پیدا می‌کرده است.

کتابهای این آقایان را به فارسی ساده و به قول حداد عادل " عامیانه " برگردانید، تا اوج ابتذال آنها را دریابید. بیهوده نیست که حداد عادل بر روی بار اخلاقی و اثره‌ها انگشت می‌نهد. گویا حضرت ایشان در هراس است که مبادا روزگاری الفیه و شلفیه هایشان به زبان آشنای مردم برگردانده شود!

● فارسی‌ستیزی جمهوری اسلامی، جلوه‌ایست از ستیزی حکومت با آیین و فرهنگ ملی میهن ما.

● انقلاب بهمین، اگر به دست حاکمیت ارتجاع، به شکست کشانده نمی‌شد، در عرصه فرهنگ و زبان و ادبیات نیز می‌توانست دامن بگستراند و جنبش عظیمی را در این پهنه شکل دهد.

● چندی پیش یکی از افاضل شاعران بارگناه جمهوری اسلامی، برای نیما حکم محارب صادر کرد. فردوسی نیز اگر زنده بود حکم " باغی " را پیدا می‌کرد. حافظ و سعدی و ناصر خسرو و مولوی و خیام نیز به محکمه شرعیه فراخوانده می‌شدند.

حداد عادل بسیار طبیعی می‌نمود که با تکیه‌ای که بر " تقویت " زبان فارسی از راه کرنش در برابر عربی می‌کند، همان منشآت میرزایان دربار قاجار و یا تاریخ و صفای را که خود نمونه می‌آورد، الگوی فارسی‌نویسی قرار دهد. ولی این کار باعث خواهد شد، ریشخند همگان را برانگیزاند. او از در دیگری وارد می‌شود و بر این پایه که " کلام الملوك ملوك الکلام " شیوه نوشتار و گفتار آیت‌الله خمینی را به عنوان يك الگوی درخشان فارسی نویسی و فارسی‌گویی در برابر ما می‌نهد. اگر به فرض محال چنین شود، اگر زعمای حوزه بخواهند به ملت درس ادبیات فارسی دهند، دیگر بایست فاتحه کار را خواند.

زدهقان و از ترک و از تازیان
نژادی پدید آید اندر میان

نه دهقان نه ترک و نه تازی بود
سخن‌ها به کردار بازی بود

اگر در این اشعار فردوسی، به جای ترکسان فرنگیان را بنشانیم به مهمترین مشکل کنونی زبان فارسی خواهیم رسید. عربی‌زادگان ما می‌خواهند حاصل تلاش‌های به عمل آمده برای رفیع این مشکل بزرگ را لگد کو بشاخته و بر ابعاد آن بیفزایند.

فارسی ستیزی جمهوری اسلامی، جلوه‌ایست از ستیزی حکومت با آیین و فرهنگ ملی میهن ما. جمهوری اسلامی به همان دلیل به فارسی کینه می‌ورزد که با برگزاری جشن نوروز مخالفت می‌کند و به همان دلیل بر روی فردوسی خاک می‌افشانند که جنازه فسیل شده فلان " قدس سره " را از زیر آوار سده‌های میانی، بیرون می‌کشند.

جمهوری اسلامی يك حکومت واپسگراست و می‌خواهد با واپسگرایی، با ایستادن در جریخ تاریخ، با رجعت به گذشته، به خود همت بخشد. این غوکان را یارای شنا کردن در دریا نیست، از همینرو می‌خواهند همه جا مرداب و گنداب باشد و از سر زندگی، شادایی و حرکت در هیچ عرصه‌ای نشان نماند. قلمرو زبان و ادبیات را نیز از نظر دور نمی‌دارند. می‌خواهند تا بدان حد بر این دریا گندابه بریزند تا آن را نیز به پندار خود، به مردابی بدل سازند. به " آثار ادبی " قلم به دستهای حکومتی بنگرد تا دریابید در این زمینه تا چه حد جان می‌کنند. اکنون مشتی فرومایه که تادیروز کسی نام و نشان را نمی‌دانست، در پهنه " ادبیات " میداندار شده‌اند. همدیگر را ملك الشعراء، سیدالشعرا و افضل الادبا خطاب می‌کنند. قصیده‌های چهل بیتی در وصف جنگ به قالب می‌زنند و افتخارشان این است که در زنجیره‌های خود، مہجور - ترین الفاظ عربی را به کار می‌بندند.

چندی پیش یکی از افاضل شاعران بارگاه جمهوری اسلامی، برای نیما حکم محارب را صادر کرد. او در يك کنگره " ادبی " برای اساسر که " نظام آفرینش، " بر توازن و تقارن استوار است، این جرم را به پای نیما نوشت که وی با تقارن و توازن در افتاده و از این طریق با " نظام آفرینش " به ستیز برخاسته است! فردوسی نیز از زنده بود حکم " باغی " را پیدا می‌کرد. حافظ و سعدی و ناصر خسرو و مولوی و خیام نیز به محکمه شرعیه فراخوانده می‌شدند. انقلاب بهمین، اگر به دست حاکمیت ارتجاع، به شکست کشانده نمی‌شد، در عرصه فرهنگ و زبان و ادبیات نیز می‌توانست دامن بگستراند و جنبش عظیمی را در این پهنه شکل دهد. اما ارتجاع قلم‌ها را شکست و بهترین شاعران و نویسندگان میهن ما را به زندان افکند، به جوخه اعدام سپرد، در کنج خانه اسیر کرد و آواره ساخت.

یورش ارتجاع در این پهنه، پنداری می‌خواهد همان نقش‌یورش‌های پیاپی سده‌های میانی بر این مرز و بوم را ایفا کند. اما این بار نیز فرهنگ و زبان ما کمر راست خواهد کرد، این گلستان بر طراوت، سرسبزی کامل خود را جلوه‌گر خواهد ساخت، این زمستان به سر خواهد آمد و همان سان که تا کنون چنین بوده و چنین گشته است روسیاهی به زغال خواهد ماند.

اکثريت افشا می کند: سندی محرمانه از دسیسه چینی های رژیم ج.ا. علیه آرامنه

بقیه از صفحه اول

زردشتی ها ، بهایی ها و ... نیز چنان در فشار و آزار قرار گرفتند که بسیاری از آنان ناگزیر به هجرت شدند ، بسیاری تنها به خاطر اعتقادات دینی به جوخه اعدام سپرده شدند ، اموالشان را به غارت بردند ، از انجام مناسک و ویژه آیین خود باز داشته شدند ، از ادارات و کارخانه اخراج گردیدند .

تصفیفات رژیم جمهوری اسلامی علیه هموطنان ارمنی در سال جاری بعد تازه ای یافت که منجر به اعتصاب دانش آموزان ارمنی ، عدم شرکت آنان در امتحانات و بالاخره انحلال مدارس ارمنی توسط وزارت آموزش و پرورش شد . این رخداد خشم شدیدی در میان آرامنه پدید آورد و با زتاب گسترده ای در کشور پدید آمد . پیش از این به جوانی از آن در صفحات این نشریه پرداخته و بهانه جویی های مبتذل رژیم را برای تزییق حقوق آرامنه افشا کرده بودیم . اینک با چاپ سندی محرمانه از حزب جمهوری اسلامی ، پرده از سیاست ردیلانه رژیم در برخورد با این دسته از هموطنان برمی داریم . این سند که در اواخر مهرماه سال جاری پس از درگیری های چند ماهه رژیم با مردم ارمنی تنظیم شده است ، خط اصلی حدود متراکم رایسن زمینه ترسیم و تدقیق می کند . سند با اینک علی الظاهر تنها نظرات حزب جمهوری اسلامی را بازتاب می دهد ، ولی در حقیقت رهنمود اجرایی برای همه ارگانهای حکومتی زیرسط است و دستورالعملی است برای ارگانهای دولتی ، مسئولین مملکتی ، سازمانهای اطلاعاتی ، نشریات حکومتی و ... تا سرکوبی را که آغاز کرده اند سازمان یافته تر و هماهنگ تر ادامه دهند .

سند افشاگر این واقعیت است که سردمداران رژیم ، چگونه این دسته از هموطنان ما را وجه المصلحه بازی های دیپلماتیک خود با رژیم نظامی ترکیه قرار داده اند . آنها برای تنظیم مناسبات خود با این رژیم وابسته ، هم وطنان ارمنی ما را بطور سیستماتیک تحت فشار قرار می دهند . از نظر مرتجعین حاکم " این کاریک امر طبیعی است و بسیاری از کشورهای این کار را می کنند " .

تنظیم کنندگان سند حزب جمهوری اسلامی که علی القاعده باید از سردمداران حکومت باشند ، در حالیکه در تنظیم شکل سرکوب اقلیت ارمنی ، آشکارا به منافع ویژه حکومت کلان سرمایه داران نظرد و خسته اند اما در عین حال ریاکارانه " وجود حزب داشنگ ارتش سوسی آرامنه " و وجود گرایشهای سیاسی معینی را در

شورای خلیفه گری آرامنه بهانه می کنند . آنها برای توجیه این بهانه جویی مبتذل ، مذبحخانه می گویند نقش آرامنه را در مبارزات مردم ایران تخطئه نمایند و مدعی می شوند که " این قوم گروهی ریمده از مسایل سیاسی می باشند " . تنها نیم نگاهی به تاریخ معاصر ایران ، دروغبرداری از حزب کلان تاجران را رسوا می کند . آرامنه در انقلاب مشروطیت و رویدادهای پس از آن ، نقش برجسته ای ایفا کردند . نام و ارستان سالاخانیان همچون زمردی در میان لوحه شهیدان توده ای می درخشد . هیچگاه خاطره فدایی خلق مارتنیک قازاریان از یاد نخواهد رفت که در راه سعادت و بهروزی مردم ایران دلیران جان باخت . سهم آرامنه در میان زندانیان سیاسی در رژیم شاه همواره قابل توجه بود . تاثیر بزرگ پیشروان ارمنی در سازمانگری جنبش کارگری میهن ما چنان بارز است که با هیچ دروغ و ریایی پوشیده نخواهد شد . مردم ارمنی به حق به نقش خود در میان مجموعه جنبش ترقیخواهان خلق ما مباحثات می کنند .

پیدا است که مرز میان طبقات ، میان انقلاب و ضد انقلاب از میان آرامنه هم می گذرد . وجود مهره های رژیم پیشین و یا محافلی مشکوک در میان آنان کاملاً قابل فهم است . اما سر تا پای همین سند خود گواه است که اشاره مرتجعین به وجود آنان در میان آرامنه ، جزئیات بهانه گیری عوام فریبانه چیز دیگری نیست .

اهمیت این سند تنها در این نیست که سیاست ردیلانه رژیم را در برخورد با اقلیت ارمنی برملا می سازد ، بلکه فراتر از آن ، جوهر چرکیستن سیاستی را نشان می دهد که مرتجعین سرور ریاکار در برخورد با همه خلق ها و اقلیت ها ، همه احزاب و سازمانهای سیاسی و همه مردم ایران در پیش گرفته اند . این سند آشکار می سازد که چگونه رژیم از افترا تاتی نظیر جاسوسی و ... برای گسترش سرکوب و برای جلب قلوب امپریالیست ها و دولت های وابسته بمان ، استفاده می کند . گردانندگان همه کاره حزب جمهوری اسلامی در این سند اعتراف می کنند که چگونه پیش از هر سرکوب ، تمهیدات لازم را برای گرفتن " اقلیتی " از آن دست همی می سازند . نخست باید پرونده سازی کرد و تبلیغات وسیع و افشاگری عظیمی به راه انداخت مثل وابستگی اینها و پسول گرفتارشان از خارجیه ها . " با این شیوه در رابطه با ترکیه می توانیم به خوبی بهره برداری کنیم " .

سند خودگویای هر چیز است . توجهتان را به آن جلب می کنیم :

متن سند:

آرامنه ایران را باید از سه مبحث سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی مورد ارزیابی قرار داد تا بتوان شناختی همه جانبه و عمیق از جریاناتی که وجود دارد ادراک نمود . به جز تعداد انگشت شماری از آرامنه ، اکثریت این قوم خود را همواره در طول تاریخ سیاسی کشورمان از مسائل سیاسی و مبارزه برای برقراری عدالت اجتماعی بدور نگه داشته اند و در هیچ برهه از زمان در جنبش هایی که از سوی مسلمانان و مستضعفان بوجود پیوسته در کنار مردم پیما خسته اثری از این قوم بچشم نخورد است ، حتی بعد از تعطیلی مدارس و مراکز آموزشی آرامنه از سوی ... که به تحریک کمال بویاشا انجام گرفت هیچگونه مقاومتی یا عسرا عملی از آرامنه دیده نشده .

در دوران پرشکوهِ انقلاب اسلامی نیز کوچکترین نشانه ای از اعلام همبستگی از جانب این اقلیت یا صد و راعلامیه ای از سوی شورای خلیفه گری در محکومیت کشتارها و جنایات های شاه معدوم در هفده شهریور و دیگر روزهای خونین انقلاب دیده نشده . و قبل از آن نیز پس از دستگیری و تبعید امام امت روحی الفدا در ۱۵ خرداد ۴۲ بعنوان یک مرجع روحانی و مذهبی هرگز روحانیت آرامنه شهادت محکوم کردن این اقدام را بخود راه ندادند . بنا بر این ، این قوم گروهی ریمده از مسایل سیاسی می باشند که تنها به فکر کسب وجوه اجتماعی و اقتصادی می باشند ولی در این میسان وجود حزب داشنگ ارتش سوسی آرامنه و فعالین آن بسیار قابل توجه است . حزب مذکور مجموعه ای است از افراد متمول و راستگرا و در سوی دیگر ارتش سوسی آرامنه چپگرا معتقد به مشی مسلحانه و حضور این دو قطب مخالف از مسایل پشت پرده حکایت می کند . آنچه مسلم است وابستگی هر دو جناح به نیرو های خارجی است . ارتش سوسی که نیرویی افراطی می باشد اقدامات ترو رستی بر علیه منافع ترکیه را در راس اقدامات خود دارد در ایران موجب لطمه زدن به همه مناسبات و وکشیور همسایه و هم به تسمخر گرفتن اقدامات امنیتی ما می باشد . در این رابطه باید دوشیوه برخورد با این تشکیلات را مورد توجه قرار داد که در دوشیوه ضروری است تا دقیق این افراد شناسایی شده و مراکز و منابع تقویتی آنها را مدنظر داشت . اما دوشیوه :

نخستین طریقه شدت عمل بخریب دادن و حتی در صورت لزوم قلم و قمع اینان می باشد که برای اینکار چون احساسات آرامنه را کبسه اکثریت حامی هر دو گروه است بر علیه ما برانگیخته می سازد و هم دشمنان خارجی ما را تغذیه تبلیغاتی می کند و همچنین اعضا ارتش سوسی را صد درصد به موضع عکس العمل می کشاند و جوی پلیسی در جامعه برقرار می سازد ، بنا بر این نخست باید پرونده سازی

کرد و تبلیغات وسیع و افشاکاری عظیمی — راه انداخت مثل وابستگی اینها و پول گرفتشان از خارجی ها و اینکه اعمال اینها باعث می شود روابط ما با همسایگانمان به تیرگی بگرایند — مخصوص در شرایطی که موقعیت جنگی بر کشور ما حاکم است . یا اینکه نه بعکس اینها را بخود نزدیک کنیم و در مواقع ضروری بسودخسود ، آنها را به بازی بگیریم . با این شیوه در رابطه با ترکیه می توانیم بخوبی بهره برداری کنیم مثلا برای آنکه به همسایه خود بفهمنیم منافع تو در اینجا در خطر است و برای برقراری امنیت و حفظ منافع و اتباع تو باید به ما کمک کنی . این ناریک امر طبیعی است و بسیاری از کشورها اینکار را می کنند . خیلی روشن است — از منافعت چشم پوشی و اتباع را خارج کن که بدنبال این قضیه بحران و تورم نیروی کار یقه ترکها را می گیرد یا باید وسایل برقراری امنیت را در اختیار ما بگذارد و این کاری است که در دنیا هم رسم است . لذا چون این گروه (ارتش سری) تا کنون بطور جدی علیه — حیثیت انقلاب اسلامی علی را مرتکب نشده است ، مصلحت نیست که دست به اقدام خصمانه ای علیه آنها زده شود و بسود ماست که آنها را در جهت منافع خود کاتالیزه کنیم و اینها هم بخاطر وابستگی خود سریعاً جذب خواهند شد . اما آنچه که پیرامون شورای خلیفه ثری قابل طرح است ، وجود یک لبنانی الاصل در راس — آن می باشد . این خلیفه بظاهر باسواد و سیاستمدار است که به اعتقاد ما ذویان مرجعی بنام * که در لبنان اقامت دارد خط می گیرد . این شخص تازه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بلافاصله با انقلاب اعلام همبستگی نموده و بیدار حضرت امام روحی الفدا می رود . اما گفتیم قبل از آن هیچگونه اظهار نظری از خود بروز نداده بود . وی اگر چه دارای وجهه مقبولیست اما بنا به اظهارات تنی چند از ارمانه صداقت اخلاقی ندارد . دیگر اعضا این شورا را نیز افرادی از حزب دانشک و ارتش سری تشکیل داده است و بطور کلی سعی دارد که تمامی ارمانه را منسجم و هماهنگ سازد اما تاکنون موفقیت زیادی کسب نکرده و حتی طبق مدارک موجود این شورا با د خلیفه کسری دیگر جنوب و غرب اختلاف نظرات کلی دارند و گروهی از ارمانه نسبت به این شورا بدبینند . بی توجه می باشند . لذا با تشدید تضادهای حاکم در ارمانه و سه شورای خلیفه گری می توان آنها را در زیر چتر نفوذ گرفته و گاه تضادشان را تشدید کرد که این نیاز به کاری ظریف دارد . اما شورای خلیفه گری تهران به راحتی حاضر نمی شود تن به این کار بدهد و سعی دارد الظاهر استقلال خود را حفظ نماید . بنا براین در برخورد با این شورا که مدتی است با انتخابات آزاد اعضایش انتخاب می شود ، باید بسیار دقیق بود . اما بطور کلی در رابطه با ارمانه و شورای مذکور باید سیاست فشار و نوازش را انتخاب کرد که امری است که بسیار

بسیار ظریف باید انجام گیرد . باید فحش از سوی رده های پایین باشد تا ارمانه را به موضع رود ر رویی با کل نظام نکشاند . و این تمهیدات باید دقیقاً در وجهت باشد . یکی نشان دادن قدرت مطلقه نظام و برچیدن مراکز متعدد تصمیم گیری . به این معنا که شورای خلیفه گری نباید در دل خاک ما و آتیکان دیگری بسازد با تمام ویژگیهای آنجا ، و ما گوشه چشم نشان دادن به مخالفین خارجی ارمانه این معنا که این خود منافعی بهمراه دارد از جمله کسب رضایت ترکیه حداقل بطور قطععی و بازی کردن با این کشور .

اما مرحله نوازش و دلجویی باید از مقامات بالا باشد ، تا شورا و دیگر ارمانه احساس کنند که این مقامات که در نهایت تصمیم گیرنده هستند تمایل به سیاست فشار ندارند و نمی خواهند به این شکل و تا این مقدار بسا آنها تند برخورد شود ، این کار پیامد دیگری هم دارد . از حمله بعد از مرحله فشار اگر اینها در داخل دلجویی نشوند احیانا به جناح های مخالف چه در داخل و چه در خارج متصل خواهند شد . پس با اعمال این سیاست با یک دست می زنیم و با دست دیگر مرهم می نذاریم و پاره می کنیم و وصله می زنیم .

در پایان این بخش آنچه که مسلم است خشم و انزجار تمامی ارمانه نسبت به ترکیه است که به هر حال حتی وجود خود ارمانه می تواند منافعی را برای ما بهمراه داشته باشد و نیز گفتنی است که محارب این شورا از طریق گرفتن پولی بابت برگزاری مراسم از قبیل ازدواج ، کفن و دفن و ... تامین می شود .

بعد دیر - بعد اجتماعی : اکثریت این اقلیت تحصیل کرده و در قشر روشنفکر و فعال جامعه می باشند . بسیار ساکت و آرام و تنها حدی احساس می کنند برای مسلمانان غریبه می باشند . لذا تا می توانند سعی می کنند محل های سکونت خود را مجتمع کرده و محله هایی را بخود اختصاص دهند تا بهم نزدیکتر باشند . و شاید این خط از سوی شورا ارائه شده باشد . تا حدود زیادی از متاغل دولتی پرهیز می کنند و به کارهای خصوصی اقدام می نمایند قشر صنعتی در میان اینها فراوان است . اکثریت مطلق ، مشروبات الکلی می نوشند به مناسک مذهبی و کلیسا برخلاف ظاهرشان چندان اعتقاد ندارند ، کمتر دروغ می گویند و کمتر اهل نیرنگ و ریا هستند . معمولا با دیگر

از گزارش هیئت سیاسی به پلنوم کمیته مرکزی " حکومت جمهوری اسلامی واضح بی سابقه ترین تبعیضها بر اساس مذهب ، عقیده و ملیت است ... اقلیت های دینی برای برگزاری مراسم مذهبی با زبان و آئین خاص خود شدیداً زیر فشار قرار دارند . سازمان ما با همه امکاناتی که در اختیار داشت حقوق اقلیت های دینی دفاع کرده ... "

اقوام مذهبی با صداقت رفتار می کنند اما به کانون خانوادگی آنچنانکه میان مسلمین رواج دارد ، پایبندی ندارند و اخیراً هم آمار طلاق در میان آنها فزونی یافته است . از نظر اقتصادی موقعیت خوبی را دارا هستند و در رفاه کامل یا نسبی بسر می برند . عده اندکی از آنها در محرومیت و فقر می زیند . گر چه شورای خلیفه گری با تشکیل شعبه ای مدتی است به وضعیت ارمانه محروم رسیدگی می کند . اما با دلیل تبلیغات کم و یا بدلیل وجود خطاهای عده قلیلی در استخفاف کامل بسر می برند ، ارمانه با وجود سرمایه ای که دارند ، از نظر کمکهای نقدی و هم چنین نیروهای اعزامی به جبهه های جنگ آنچنان بی عمرند که بسر خلاف ادعاهایشان بود و نبودشان فرقی نمی کند و تا حالا جز یک یا دو بار کمک نقدی و فرستادن چهار تا پنج آمبولانس و وسایل دیگر هیچ کمکی نکرده اند . و در نیروهای ارتش و بسیج اصلا جایی ندارند و آمار کشته شدگانشان بسیار کم است . به هر حال با یک جمع بندی از موقعیت های ریشه ای ارمانه ایران ، حزب باید بسیار ظریف برخورد کند .

اما این انتقاد به ما وجود دارد که تا کنون جز شناسایی افراد ارتش سری و حزب دانشک چندان نتوانسته ایم پرونده ای از شورا بدست آوریم و مدارک ما برای روزهای آتی اندک است . به همین خاطر است که باید منابع اطلاعاتی خود را چه از نظر کمی و کیفی گسترش دهیم . البته گفتنی است که بخاطر ویژگیهای تاریخی ، ارمانه در ایران بی آزار و بی خطرند و این منافع ماست که آنها را به پیچ و خم می کشاند . آنها در مواقع سخت به آقای منتظری دل بسته اند و ما در این رابطه هم باید کاناال اطلاعاتی ایشان را از سوی حزب (جمهوری اسلامی) تامین کنیم . البته وجود ایشان در رابطه با دست نوازش یک نعمت خدادادی است .

در مورد جنبه تبلیغاتی نیز باید هوشیارانه برخورد کرد ، مصاحبه ها و خبرهای آنها باید دقیقاً در کاناال مورد دلخواه ما باشد ، نباید گذاشت خلیفه تهران نسبت به د خلیفه دیگر محبوبیت بیشتری کسب کند . در حالیکه متأسفانه تا کنون نتوانسته ایم در این مورد موفقیت حاصل کنیم و اخیراً بعضی از منابع خبری گاه و بی گاه با این فرد اقدام به مصاحبه می کند و باید جلوی این عمل را گرفته و از اینها پرسید ، چرا با رهبران دیگر اقلیتها حتی یکبار مصاحبه نکردید ؟

در پایان این سند را باید موبه مو و لحظه به لحظه در نظر داشت تا با هماهنگی بیشتر سیاست فوق اجرا شود . البته در مورد سیاست فشار عوامل پایین باید غیر مستقیم خط بگیرند که در صورت لزوم بتوانیم این عوامل را دقیقاً در اختیار بگیریم .

" والسلام من التبع الهدی " * در اصل سند خوانده نشد .

درباره برنامه و خط مشی حزب کمونیست فلسطین

روز ۲۹ نوامبر هر سال مطابق با هشتم آذر ماه به عنوان روز همبستگی بین المللی با خلق فلسطین شناخته شده است. به این مناسبت و برای آشنایی بیشتر با وضعیت کنونی جنبش ملی خلق فلسطین و نظرگاههای حزب پیشاهنگ طبقه کارگر فلسطینی، مقاله ای از رفیق "نعیم اشهب" عضو فترسیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست فلسطین را درج می کنیم. این مقاله پس از نخستین کنفرانس این حزب در سال جاری، در شماره ۹ نشریه "سایل صلح و سوسیالیسم" - سپتامبر ۱۹۸۴ - تحت عنوان "با احساس مسئولیت برای سرنوشت میهن" به چاپ رسیده است.

* * *

حزب ما در فوریه ۱۹۸۲ به وجود آمد و پس از دو سال، برگزاری پیروزمندانانه نخستین کنفرانس (کنفرانس موسس) آن اعلام گردید. نمایندگان کنفرانس فعالیت حزب را از هنگام تشکیل آن بررسی کرده، برنامه و اساسنامه حزب را به تصویب رساندند و ارگانهای رهبری را برگزیدند. در این کنفرانس وحدت با سازمان کمونیستهای فلسطینی نوار غزه انجام گرفت، همچنین برپایه اسناد مصوبه، گروههای کمونیستی که به دلایل تاریخی در درون احزاب برادر ایجاد شده و رشد کرده بودند، به حزب پیوستند.

کنفرانس اولی که برای همه کمونیستهای فلسطین رویدادی برآستی قابل توجه بود، در اوضاع بسیار پیچیده ای برگزار شد. حزب در مناطق اشغالی و نیز در کشورهای متعددی که فلسطینیها در آنجا زندگی می کنند، به فعالیت مشغول است، و البته غیر قانونی است. حفظ روابط درون حزبی در این شرایط بسیار دشوار است، اما ما اکیداً این اصل را فراراه خود قرار دادیم که اسناد کنفرانس، مصوبات آن و به ویژه برنامه سیاسی باید شمره خرد جمعی همه رفقا باشد، چه آنهايي که در خاک فلسطین زندگی می کنند و چه دیگران.

طرحهای ارائه شده، بطور جدی، با احساس مسئولیت و در فضایی واقعاً دموکراتیک به بحث گذاشته شد. دو نکته بیش از هر چیز جلب توجه می کرد. اولاً "در میان نمایندگان، جوانان اکثریت داشتند. این امر بازتاب جوان بودن خود حزب است (متوسط سن اعضای حزب حدوداً ۲۴ سال است). ثانیاً سهم نمایندگان دارای خاستگاه پرولتری زیاد بود. علت این امر، از يك سو آنست که در صفوف کمونیستها، افراد بسیاری کارگرند (تقریباً ۵۰ درصد). دلیل دیگر آن بود که برابر جدول مصوبه، از طبقه کارگر برای هر ۳۰ عضو و از سایر اقشار برای هر ۵۰ عضو يك نماینده تعیین شده بود. در شرایط نبرد مرگ و زندگی با اشغالگران اسرائیلی، نمایندگان طبقه کارگر اولویت دارند، تا از این طریق استواری سیاسی -

ایدئولوژیک حزب تحکیم گردیده و ایدئولوژی پرولتری در برابر گرایشهای بیگانه، که فشار آن در اوضاع دشوار کنونی دائماً رو به افزایش است، حفظ شود.

اهمیت ویژه کنفرانس اول، در تصویب برنامه سیاسی حزب کمونیست فلسطین بود، زیرا که این نکته تنها نخستین برنامه ما است، بلکه این نکته، نیز از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است که در این برنامه، مسئله بسیار پیچیده فلسطین از دیدگاه انترناسیونالیستی ویژه کمونیستها مورد بررسی قرار گرفته است. این شیوه برخورد به مسئله، با برخورد سایر بخشهای جنبش ملی فلسطین تفاوت دارد.

برنامه مزبور، گام مهمی در تحلیل وضعیت بحرانی فعلی انقلاب فلسطین و جستجوی راههای رهایی ملی است. در عین حال، تصویب برنامه، نقطه اوج سیاسی بود که کمونیستهای فلسطین، صرف نظر از آنکه در کدام سازمان فعالیت می کردند، و علیرغم حملات مداوم، به ویژه از جانب نیروهای ارتجاعی سپهیم در توطئهها علیه خلق ما، از دهها سال پیش دنبال نمودند. درستی این مشی سیاسی اصولی و پیگیر را، جریان زندگی بطور قانع کننده ای نشان داد. این امر، به ویژه در حال حاضر که نسخه های پورژوا - ناسیونالیستی برای حل مسئله فلسطین به کلی شکست خورده، صادق است.

يك سلاح بسیار مهم سیاسی و ایدئولوژیک که برنامه حزب در اختیار ما می گذارد، تعریف علمی و مارکسیستی - لنینیستی خصلت مرحله کنونی مبارزه خلق فلسطین به عنوان مرحله "رهایی ملی و تحقق وظایف انقلاب رهایی بخش ملی" است. این تعریف، از آنجا ناشی می شود که خلق ما برخلاف سایر ملل منطقه و علیرغم سالها مبارزه سرسختانه و قربانیهای سنگین، تاکنون موفق نشده است بیخ سلطه بیگانه را به دور افکند.

این تضاد فی نیست که عنوان برنامه، "برای آزادی مناطق اشغالی فلسطین، برای تحقق حقوق انکارناپذیر خلق فلسطین" است. در برنامه، وظایف مرحله کنونی بطور فشرده چنین تشریح گردیده است:

۱- عقب نشاندن اشغالگران اسرائیلی و تضمین آزادی مناطق عربی اشغال شده در سال ۱۹۶۷
۲- تأمین حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین از طریق تأسیس يك دولت مستقل در کرانه غربی رود اردن، شامل بخش عربی بیت المقدس و نوار غزه
۳- دادن امکان بازگشت به وطن به آوارگان یا استفاده از حقوق صرحه در مصوبات سازمان ملل متحد

۴- خنثی کردن همه نقشه های امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع برای به فراموشی سپردن مسئله فلسطین و از میان بردن موجودیت ملی فلسطینیها (منظر، به ویژه قرارداد کمپ دوید، نقشه ایجاد نیمی خود مختاری اداری و اداره غیر نظامی مناطق اشغالی، تلاش برای ایجاد "میهن

جایگزین" برای فلسطینیها، "طرح ریگان" و غیره است). دفع یورش امپریالیسم آمریکا - برای برقراری سلطه خود بر منطقه -

برای تحقق این اهداف میهنی، بایدسند جلوی گرایشهای توسعه جویانه صهیونیستها را گرفته و فعالیتهای اسرائیل بعنوان زاندارم منطقه ای امپریالیسم را مهار نمود. این امر، به تشدید تضادهای داخلی جامعه اسرائیل، که تا کنون با دامن زدن به احساسات شوونیستی و تجاوز کارانه پوئانده می شد، کمک خواهد کرد.

تعریف علمی خصلت مرحله کنونی و وظایف آن که در برنامه آمده است، قادر است حزب و کل جنبش ملی فلسطین را از تبلیغ شعارهای نارس و اهداف غیر قابل تحقق در مرحله کنونی، که ممکن است مانع کشاندن گسترده ترین نیروها به مبارزه مشترک علیه اشغالگران اسرائیلی شود، باز دارد. همچنین ذکر این نکته نیز بسیار مهم است که میان اهداف کنونی خلق فلسطین و مسائلی که در برابر سایر خلقهای منطقه، از جمله خلق اردن، قرار دارد، تفاوت بزرگی موجود است. رژیم عمان می کوشد این تفاوت را بیوشاند و مدعی است هر دو خلق - اردن و فلسطین - يك سرنوشت دارند و تفاوتهاي موجود، تنها ظاهری است. از این طریق می خواهند تلاش برای سلب حق تعیین سرنوشت از ملت فلسطین و تحمیل يك قیومت جدید به آنرا توجیه کنند.

اما حزب کمونیست فلسطین به تعیین اهداف بلاواسطه خود اکتفا نمی کند، آخرین بخش برنامه، عنوان "هدف درازمدت حزب، سوسیالیسم" را برخورد دارد. این فصل شامل تعیین هدفهایی است که با اهداف سوسیالیستی میهن پرست فعال در صحنه مبارزات فلسطین، تفاوت کیفی و اساسی دارد. این

نیروها ایجاد يك دولت مستقل در مناطق اشغالی در ۱۹۶۷ را وظیفه مرحله کنونی دانسته و هدف نهایی را در این می بینند که در کل قلمرو منطقه تحت الحمايه پیشین فلسطین يك دولت فلسطین غیرمزد هبی ایجاد کنند. اما در برنامه حزب ما هدف بلند مدت یا استراتژیک چنین تعیین شده است: "دفاع از حاکمیت دولت مستقل فلسطین تقویت توان اقتصادی، سیاسی و نظامی آن و تحقق سیاست تحولات سوسیالیستی برای تبدیل شدن به بخشی از جامعه نیروهای ضدا امپریالیستی در منطقه و در کسب جهان، تا برقراری سوسیالیسم." سپس افزوده شده، شرایطی که دولت مستقل جوان فلسطین به احتمال قریب به یقین با آن مواجه خواهد بود، به ویژه خطر تجاوز و حمله حاکم صهیونیست اسرائیل، مستلزم ادامه نبرد علیه ایدئولوژی و عملکرد نژاد پرستانه صهیونیسم، در پیوند تنگ تنگ با همه نیروهای انقلابی و آزاد بیخ منطقه، از جمله هواداران دموکراسی در خود اسرائیل است.

به عبارت دیگر، ما کمونیستها و انترناسیونالیستها معتقدیم حل نهایی مسئله فلسطین نیز مانند هر مسئله ملی دیگر تنها می تواند يك راه محل اجتماعی باشد، که عبارتست از: ساختمان سوسیالیسم، که ریشه های خصوصیت میان ملل و اقوام را از بین برده و شالوده دوستی و برادری میان آنان را خواهد ریخت. اما تا هنگام پیروزی سوسیالیسم در منطقه ما، روند تحول مسئله فلسطین را نتایج مبارزه سخت خلقها، از جمله خلق فلسطین علیه سلطه و منافع امپریالیسم و علیه مقاصد تجار و کارانه و توسعه طلبانه محافل حاکم در اسرائیل تعیین خواهد کرد. این امر، بر همه عرصه های زندگی، و شاید حتی بر واقعیت های جغرافیایی، تاثیر خواهد گذارد.

در ارتباط با وظایف مرحله کنونی کمدر برنامه تعیین گردیده، از نیروهای نیز که انجام این وظایف بر عهده آنهاست، نام برده شده است که عبارتند از طبقه کارگر، دهقانان، سایر زحمتکشان، روشنفکران انقلابی، دانشجویان، همه اقشار خرد بوزواری و نیز آن دسته از محافظان بوزواری ملی نزدیک به آنها که به اشغالگران یا رژیم های ارتجاعی وابسته نیستند. کمونیستها در مرحله انقلاب رهایی بخش ملی برای ایجاد يك جبهه ملی حتی المقدور گسترده و پایدار نقش محوری قائلند. این جبهه باید همه آنها را که علیه اشغالگران مبارزه می کنند و واقعا خواهان نیل به استقلال هستند، دربرگیرد. هسته اصلی و در عین حال شرط توانایی جبهه برای دستیابی به اهداف آن، "اتحاد انقلابی کارگران، فقیرترین دهقانان و سایر زحمتکشان فلسطینی" است.

اگر برگسترگی جبهه های که باید ایجاد شود و ترکیب متنوع تشکیل دهندگان آن تأکید ویژه به عمل می آید، ناشی از طبیعت اشغالگری اسرائیل است که اکثر فلسطینی ها را آواره کرده و هدف آواره کردن سایرین را به منظور به دست آوردن "زمین بدون خلق" دنبال می نماید. از این رو، در حال حاضر، مهم ترین تضاد سیاسی میان طبقات و اقشار گوناگون جامعه فلسطین، نه تضاد میان "راست" و "چپ" که تضاد میان "میهن پرستان" و "میهن فروشان" است. بدیهی است که جبهه ملی می تواند بسته به شرایط مشخص، اشکال متفاوتی به خود بگیرد. در برنامه حزب در این باره آمده است: "چارچوب سازمانی گسترده ترین جبهه واحد ملی می تواند سازمان آزاد بپیش فلسطین باشد که تبلور سیاسی حاکمیت مستقل ملی فلسطین بوده و در روند مبارزه پرافتخار خود، به تنها نماینده قانونی خلق فلسطین تبدیل شده است."

کمونیستهای فلسطین، طبق وظیفه ملی خود از هیچ تلاشی برای حفظ وحدت و انسجام درونی ساق بر پایه يك مشی سیاسی میهن پرستانه بپسیر، و در عین حال واقع بینانه، فروگذار نمی کنند. این مشی، عمده ابراز عقیده قانونی فلسطینی ها و مورد حمایت اکثریت عظیم خلق ما، هم در خاک فلسطین

و هم خارج از مرزهای آن بوده و از تفاهم دوستانه ما به ویژه اتحاد شوروی و سایر کشورهای جامعه سوسیالیستی، برخوردار است. به نظر ما، این سیاست در بسیاری از وجوه آن در مصوبات شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین تجلی یافت. ما بر این عقیده هستیم که به رسمیت شناختن سازمان آزاد بپیش فلسطین به مثابه تنها نماینده قانونی خلق فلسطین در جهان عرب و در عرصه بین المللی، بزرگترین دستاورد تاریخی آن است که به بهای قربانیهای زیاد پس از تراژدی آوارگی ۱۹۴۸ بدست آمده است. این دستاورد، بطور جدایی ناپذیر و ارگانیک با حمایت از حق فلسطینی ها برای تعیین سرنوشت و تاسیس دولت مستقل ملی پس از آزادی مناطق اشغال شده بر اثر تجاوز اسرائیل در ۱۹۶۷، پیوند دارد.

حزب ما عمیقاً به مسئولیت خطیر خود برای تشکیل يك جبهه واحد ملی و اتحاد همه میهن پرستان فلسطین واقف است و فعلا نه برای برقراری و گسترش موازین واقعا "دمکراتیک در مناسبات میان نیروهای میهنی، مبارزه می کند. مناسباتی که باید براحترام و اعتماد متقابل و حفظ استقلال سیاسی - ایدئولوژیک و سازمانی هر يك، تأحذی که با مبارزه عمومی ملی منافات نداشته باشد، استوار گردد. کمونیستها به اتفاق سایر نیروهای میهنی همه نیروی خود را بکار می گیرند تا ساق در عمل، نه تنها در سطوح پایین بلکه همچنین در رهبری نیز، به يك جبهه ملی تبدیل گردد. این رهبری، باید به يك رهبری واقعا جمعی بدل شود و نمایندگان همه نیروهای میهنی که در عرصه سیاست فلسطین فعالند - چه در مناطق اشغالی و چه خارج آن - در برگیرد، وقت آن فرا رسیده که به ضایح کردن حق کمونیستها و حزب آنان پایان داده شود. حضور در ارگانهای رهبری، فقط يك حق طبیعی شرکت کنندگان در مبارزه نیست، بلکه تنها از این طریق است که می توان با دشواریهای خطرناک کنونی مقابله کرد که پس از عقب نشینی جنبش مقاومت فلسطین از بیروت در ۱۹۸۲ پدید آمده اند. به عبارت دیگر تنها از این طریق، خطر يك شکست برطرف می گردد.

هنگامی که بحران کنونی ساق علائم خود را آشکار ساخت، حزب ما فوراً با اصولیست تزلزل ناپذیر و بطور قاطع با همه تلاشها به منظور ضررزدن به وحدت سازمان، صرف نظر از آنکه این تلاشها توسط چه کسانی و با چه بهانه های سیاسی انجام می گرفت، به مقابله برخاست. کمونیستها به اتفاق سایر نیروهای فلسطینی - به ویژه آنها یی که در جنگ برادری طرابلس (در شمال لبنان) شرکت نداشتند - همه کوششها برای ایجاد نوعی جایگزین برای ساق فارا خنثی کردند. امری که اگر تحقق می یافت، به انحلال سازمان به مثابه تنها نماینده قانونی خلق ما می انجامید. نیروهای ضد فلسطینی در چنین صورتی می کوشیدند از این رویداد بطرز خائنانهای برای تحمیل "شکست

جایگزین" علیرغم ارا ده توده های در حال مبارزه، سواستفاده کنند. ما در آینده نیز همچنان در راه تحکیم استقلال ساق، تأمین استقلال ملی فلسطینی ها در تصمیم گیری ها و علیه همه کوششها برای نقض یا محدود ساختن این استقلال مبارزه خواهیم کرد. حزب ما دقیقاً از مصوبات شانزدهمین اجلاس شورای ملی فلسطین و اصلاحات دمکراتیک در تشکیلات ساق، به ویژه برای تأمین جمعی بودن رهبری آن، پیروی می کند و بطور فعالانه در تعاسها و ملاقاتهایی که با هدف احیای وحدت در چارچوب سازمان انجام می گیرد، شرکت می جوید. این مشی اصولی، گواه میهن - پرستی عمیق حزب کمونیست فلسطین است و بنحو چشمگیری، تئوریت و وجهه آن را در میان توده های مردم فلسطین، نیروهای میهن پرست جهان عرب و در عرصه بین المللی افزایش می دهد.

در برنامه حزب موقعیت پایدارترین و فعالترین بخش خلق ما، یعنی بخشی که از ۱۹۶۷ زیر یوغ اشغالگران اسرائیلی زندگی می کنند، مورد تحلیل قرار گرفته و بر ضرورت احیای جبهه مبارزه با اشغالگران در مناطق اشغالی فلسطین، که باید به پایگاه اصلی و تنها نماینده ساق در این مناطق تبدیل گردد، تأکید شده است.

هنگامی که نیروهای مقاومت فلسطین بیروت را ترک کردند، تجاوزگری حکام اسرائیل باز هم افزایش یافت. برسرعت "یهودی کردن" مناطق اشغالی افزوده شده است. اکنون احتمال از سرگیری فعالیتهای مشترک آمریکا، اسرائیل و اردن برای فراموشی سپردن مسئله فلسطین دور از چشم خلق ما و نماینده آن، ساق، می رود. از این رو، احیای جبهه ملی در مناطق اشغالی ضرورت مبرم دارد، و آنهم نه به صورت ارگان اجرائی صرف، بلکه به مثابه يك رهبری خلاق و مؤثر در عرصه اصلی مبارزه کنونی، شیوه برخورد به تلاشهای جاری برای احیای این جبهه، که حزب ما در آن نقش برجسته ای ایفا می کند، معیاری شده است تا شناخته شود که تک تک نیروهای جنبش فلسطین، به وظیفه خنثی ساختن همه توطئه ها علیه خلق فلسطین و مبارزه عادلانه این خلق که در حال حاضر افزایش یافته و اشکال متفاوتی به خود می گیرد، تا چه حد پاسخی جسندی می دهند.

در برنامه همچنین به وضع گروههای فلسطینی ها در تک کشورها، از جمله در کشورهای برادری، پرداخته شده و طبیعت دوگانه مناسبات آنان با نیروهای تریخیخواه و میهن پرست محلی مورد تحلیل قرار گرفته است. وضعیت سیاسی کشور مربوطه، تأثیر مستقیم و عمیقی بر شرایط زندگی فلسطینی های مقیم در آن کشور می گذارد. فلسطینی ها همراه با توده های مردم آن کشور، در معرض همه نوع پیگرد ها و تضيیقات قرار دارند. آنها از حقوق دمکراتیک خود محرومند و در برخی موارد اجازه



مستضعفان واردکننده!

آذری قمی :
" باید تجار و صنعتگران و طبقه مولد که شامل تجار هم می شود ، آزاد باشند . دولت می تواند محدود بکند و جلوی هر کس را چه محروم و مستضعف باشد و چه پولدار باشد ، بگیرد . یعنی اگر مستضعف هم خواست یک جنس را وارد کند که به ضرر اقتصاد مملکت باشد نباید به او اجازه دهد " (اطلاعات - اول آبان)

چاه ویل بازار

یک نماینده مجلس :
" سیستم توزیع و تجارت به نحوی است که مثل چاه ویلی تمام پولها را جمع می کند و تمام پولهایی که دولت چاپ می کند و بیاید از بیتالعمال به کارمندان می دهد ، خرج می کند این پولهایی که در جامعه می آید ، همه این پولها در بازار جمع می شود . یعنی بازار دائما مثل یک آهنریا پولها را به خود جذب می کند . همه پولها آخر سر ، سرانجام به قول مثل معروفه که می گوید فرجام پوست به دباغ خانه می افتد سروکار پول هم آخر سر به بازار می افتد و بازار هم همه پولها را جمع می کند و پس نمی دهد . بنا بر این نظام توزیع نظامی بیما راست ، در احتکار است . گرانفروشی وید فروشی هست . افزایش قیمتها بدون هیچ کنترلی بوجود آمد . بازارهای سیاه هر روز افزایش پیدا کرده . " (اطلاعات - ۲۷ آبان)

معنی "عدالت اجتماعی"

یک نماینده مجلس :
" در آینده نزدیک دولت مجبور خواهد شد برای کثرت و ورزی از شهرها استخدام کند و به

روستاها ببرد و خود کثرت و ورزی کند ، چون هر چه می شنویم می بینیم ، اکثر آنها شعار است نه عمل

یک روستایی برای تهیه یک قشربند اسپیرین د و روز محفل می شود ، یک روز به شهر می آید و روز دیگر بازمی گردد . آیا این است معنی عدالت اجتماعی ؟ " (اطلاعات - ۲۸ آبان)

دیپلماسی تعزیر

سرمقاله کیهان ۲۸ آبان :
" ایران بارها به امر و شیوخ ایمن و ولتهای مصغر و به تعبیر امام این دو پله ها و به ویژه کویت ، که واقعا هم مصغراست با خطا کار کرده و تذکر داده است به نظر می رسد وقت آن رسیده است که ایران کویت را از خواب غفلت بیدار کند ! گویی نصیحت و موعظه و مدارا دیگر کارگر نیست . کویت دیگر آن صوفی ساده بی خبر تازه وارد نیست . او تنها خرس را از دست داد ، اما اینان هم خسران فروخته اند و هم خود را و ایران را واجب آمد که تازیانه ای به تعزیر فرود آورد و خود فروختگان را کمی کيفر دهد و سیاست کند در اولین فرصت . "

کارنامه درخشان

موسوی اردبیلی :
" گاهی گفته می شود که چرا حد و قصاص انجام نمی شود در حالی که بر اساس آمار ۱۷۸۸ تعزیر ، ۴۰۳ دیه دادن ، ۴ قصاص نفس ، ۸۹ حد شرعی در مدت ۶ ماهه اول سال جاری فقط در تهران انجام شده است . پس هم قاطعیت هست و هم حد شرعی جاری می شود " (کیهان هوایی - ۹ آبان)

اختراع جدید قوه قضائیه :

" اولین ستاد پلیس قضائی از هفته آینده در دویبند از زندان قزل حصار و کرچ مستقر خواهد شد و مقدمات اجرای حد سرعت و قطع دست سارقین در حال حاضر فراهم شده است و پلیس قضائی وسیله ای به نام ماشین برش برای قطع دست سارقین که بسیار

سریع عمل می کند ، آماده کرده است . " (کیهان - ۳۰ آبان)

در آسمان جمهوری اسلامی

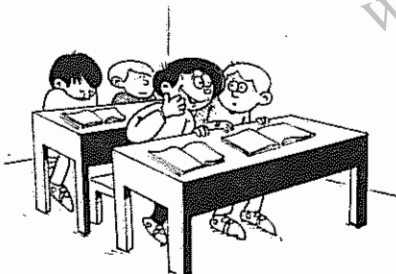
آیت الله جوادی آملی :
" وقتی از مسافرت خارج برمی گشتیم ، همیشه هواپیما وارد آسمان ایران شست ، مهماندار به احترام نظام جمهوری اسلامی به پای بلند کو رفت . سرتشنان و مهمانان هواپیما را که در آن مسلمان ، یهودی ، مسیحی ، غیر موحد چون از یک کشور کفر برمی گشتیم او در آسمان ایران گفت : مهمانان محترم به پاس احترام به شئون جمهوری اسلامی ایران ، حجاب اسلامی را رعایت کنید . آیه "لا یبدین" در آسمان ایران وارد عمل می شود . " (اطلاعات - ۳۰ آذر)

تبلیغ با جلو کباب

چندی پیش فخرالدین حجازی در ترکیه صاحب مطبوعاتی تشکیل می دهد و از خبرنگاران ترک انتقاد می کند که چرا به نفع رژیم جمهوری اسلامی ، و در رابطه با عدم رعایت حجاب در ترکیه مطلب نمی نویسند . به گفته خود او در روزنامه اطلاعات ۱۷ آبان "عده ای از روزنامه نگارها سروصدا کردند و رفتند . یکی گفت (حتما سفیرج . ۱۰) ما به اینها جلو کباب دادیم که ، علیا ایران چیزی ننویسند و حالا تو کار را خراب کردی ! "

ورزش در مدارس

طنی بخشنامه ای ورزش را در کلاس های اول تا سوم بطور غیر مستقیم حذف کرده اند



- به کسی نگیس ها رفتن بپوشکی یک کمی ورزش کردم !!

(کیهان و ورزشی - ۱۹ آبان)

رفتار آنان نیز با کارگران زن خیلی انزجارآور است . از اینجانبان نیز فکرمی کم به زودی اخراج شوم . سایه شوم اخراج ، کارگر کارگاههای کوچک راهمیشه تعقیب می کند . آدم همیشه در اضطراب است که امروز اخراج می شود یا فردا . اخراج شدن در این وانفاسی گرانی و بیگاری مصیبت بزرگی است . همین دوسه هفته پیش در روز ۲۲ مهر جوان حدودا ۲۵ ساله ای به دلیل اینکه صاحب کارش او را از کارگاه بیرون کرده بود و از رضه و ناراحتی بیگاری خود را از طبقه بالای ساختمان پلاسکو به پایین پرت کرد . د روز بعد نیز در همین ساختمان جوان دیگری خود را حلق آویز کرد "

خودمان بود . او کارمی کرد تا خرج بچه و دی و خواهرکو چک شو هوش راد آورد . از روی ناچار درد و جاکارمی کرد . ۵۰ بعد از ظهر می رفت کارگاهی در همین نزدیکی ها و آنجا پاکت درست فی کردانه ای ۱ ریال . از نظر جسمی کاملا کوفته و در ب و داغان شده بود . علیرغم استحکام روحیه اش او مرتب از سرعت کارش کسم می شد . خستگی او را داشت از یاد می آورد . او را اخراج کرد ند با این بهانه که کارش را سرسری انجام می دهد و از سرعت مطلوب برخوردار نیست . صاحبان کار گناه تازگیها خیلی طرفدار رژیم شدند . از دولت امکاناتی گرفتند به کار واردات هم رو آوردند . غرق در رفاهند .

وضعیت کارگاههای کوچک

به صورت سرخ رنگی در بیاید و مرتب خارش داشته باشد . ریه هامان ناراحت است و همه مان سرفه های خشکی می کنیم . اینجانبان کار به صورت پورسانتی است . با حد اکثر جان کدن می توان ماهی ۲۵۰۰ تومان درآمد داشت . در روز ۹ ساعت کارمی کنیم و از این مدت تنها نیم ساعتش به ناهار خوردن و استراحت اختصاص دارد . تمیز کردن کامل کارگاه هم برعهده ماست که باید در پایان ساعت کار انجام شود . اینجانبان پاکو چکنترین بهانه ای کارگر را اخراج می کنند . چندی پیش زنی اینجاکار می کرد که شو هوش زندانی سیاسی بود . از رفقای

بقیه از صفحه ۶

آرزوهای هسته‌ای پاکستان

مقاله‌ای از نشریه سو ویت رویو

رژیم نظامی ژنرال ضیاءالحق کوشش می‌کند تا تکنولوژی پیشرفته هسته‌ای را از کشورهای صنعتی غربی بدست آورد و در این باره معاملاتی نیز انجام داده است. برای مثال، در بریتانیا، دولت پاکستان حداقل ۳۰ عدد معکوس‌کننده عناصر اصلی دستگاه‌های تجزیه گاز-خرداری نموده است.

بی شک سران کمپنیاها و سازمان‌های دولتی کشورهای غربی که ارسال تکنولوژی هسته‌ای را آشکار ساختند بخوبی آگاهند که پاکستان از امضای پیمان ممنوعیت آزمایش‌های هسته‌ای و عدم تکثیر سلاح‌های هسته‌ای سر باز زده است. آنها اینرا می‌دانستند اما بسا این وجود آنان با معاملاتی که برای صلح و امنیت مردم خطرناک است موافقت کردند.

بعضی از آنان اینکار را پاسود زیاد انجام دادند و بقیه بخاطر حمایت از یک رژیم طرفدار غرب در آسیا، پاکستان از نقطه نظر پیشرفت در لیست ۲۴ کشور فقیر جهان، جای بیست و چهارم را اشغال می‌کند در عوض از نقطه نظر نظامی گری از بسیاری از کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین جلوتر است.

بیش از همه این ایالات متحده آمریکا است که به پاکستان در اجرای طرح‌های تسلیحاتی اشکامک می‌کند. حکومت فعلی آمریکا تا ۳/۲ میلیارد دلار کمک نظامی خود به رژیم پاکستان را افزایش داده است. پاکستان، تانک‌های سنگین، خمپاره‌اندازهای خودکار کالیبر بزرگ، موشک‌های هارپون کشتی که قادر به زدن هدف‌های زمینی هم می‌باشد و جنگنده‌های بمب افکن اف-۱۶ دریافت می‌دارد.

نقشه کلی این است که نیروی هوایی پاکستان ۴۰ جنگنده اف-۱۶ داشته باشد روزنامه تریبیون (TRIBUNE) از سانفرانسیسکو بطور قطعی اظهار داشته است که پاکستان بخوبی می‌تواند از جت‌های اف-۱۶ برای حمل بمب‌های اتمی خود استفاده کند. منبع دیگری اظهار می‌دارد که اسلام‌آباد ممکن است وسایل نقلیه حمل سلاح‌های هسته‌ای را دریافت کند. یک قرارداد همه جانبه با شرکت موشک سازی اوتراگ (OTRAG) آلمان غربی بسته شده است که بر آن اساس ارتش پاکستان مقدار زیادی موشک‌های میان برد دریافت خواهد کرد. عقیده بر این است که کارخانه‌ای در پاکستان ساخته شود تا قطعات موشک ساخت آلمان غربی را روی هم سوار کند. ایالات متحده، آلمان غربی، بریتانیا و فرانسه که وانمود می‌کنند که مخالف آرزوهای

هسته‌ای اسلام‌آباد هستند، در واقع پایسه مادی و تکنیکی برای انجام آن را بوجود آورده‌اند. واشینگتن چشم‌پوشی را بطور ظاهری بسره روی تدارکات هسته‌ای متحد شر در آسیای جنوبی که قصد شروع آزمایش‌های سلاح‌های اتمی را دارد بسته است.

در پی تحریکات رهبران واشینگتن است که پاکستان خود شرا به سنگر عده بسره عظیمات خرابکارانه بر علیه افغانستان دموکراتیک تبدیل نموده است. پیشنهاد تأسیس پایگاه‌های نظامی پنتاگون در آن کشور تحت بررسی قرار دارد. در واقع تسهیلات جاسوسی الکترونیک امریکایی که توسط تکنیسین‌های امریکایی کار گذاشته شده‌اند هم اکنون در پنج شهر مشغول کارند. آنها جهت تحت نظر قرار دادن خاک اتحاد شوروی، هند، افغانستان، و کشورهای خلیج فارس مورد استفاده قرار می‌گیرند. سیاستمداران واشینگتن با توجه به پاکستان از دید منافع نظامی، سیاسی اشان در آسیا، این حقیقت را که خطرناکترین فاز تمایل به تولید سلاح هسته‌ای در آن کشور آغاز شده است، نادیده می‌گیرند.

آرزوهای هسته‌ای رژیم پاکستان نگرانی رشد یابنده ملت‌های صلح دوست را نه فقط در منطقه آسیای جنوبی بلکه در نواحی ماورا آن منطقه نیز سبب شده است.

درباره برنامه و خط مشی

ندارند خود را فلسطینی بنامند، از این رو در برابر آنان، در پیوند با اهداف عمومی مبارزه، این وظیفه قرار دارد که نه تنها سهمی در مبارزه ملی مردم خود ایفا کنند، بلکه همچنین به نیروهای انقلابی کشورهای عربی که قصد دارند مناسبات امپریالیسم را قطع کرده و به یک انقلاب ملی دمکراتیک جامعه عمل ببوشانند، یاری رسانند.

وضعیت ویژه توده‌های فلسطینی در اردن، تابع عوامل گوناگون تاریخی، جغرافیایی و موکرافیک (جمعیت‌شناختی) است. در این کشور، مبارزه فلسطینی‌ها برای راندن اشغالگران اسرائیلی و تأسیس یک دولت مستقل، در پیوند تنگنا، بسا تحقق وظایف انقلاب ملی - دمکراتیک در اردن قرار دارد و مستلزم شرکت مستقیم فلسطینی‌ها در جنبش توده‌های واحد میهنی با حفظ موجودیت ملی خود است.

واضح است که این تحلیل از وظایف سیاسی گروه‌های مردم فلسطینی در کشورهای عربی، تفاوت برجسته‌ای با نظرات نیروهای دارای مواضع ناسیونالیستی دارد.

در همان بخش نخست برنامه مصوب کنگره اول، ما هیت طبقه‌ای حزب واید ثولوزی آن تشریح شده و همچنین تاکید گردیده است که کمونیست‌ها

یکی از فعالترین نیروهای جنبش ملی فلسطین را تشکیل می‌دهند، نیرویی که در میان توده‌های مردم، از ریشه‌های عمیقی برخوردار بوده و از همه سنن مبارزه‌ای میهن پرستانه و تریخی‌خواهانه در میراث تاریخی خلق ما، الهام می‌گیرد. ما بسره ویژه به تجارب انقلابی بسیار غنی خلق فلسطین، که در مراحل گوناگون نبرد با استعمار، امپریالیسم و صهیونیسم، در دفاع از میهن و مبارزه برای حق تعیین سرنوشت و استقلال به دست آمده است، می‌بالیم.

حزب کمونیست فلسطین، در عین حال جزئی از جنبش‌های بی بخش ملی عرب است. برای بسن مبنی وظایف آن در صحنه سیاست عربی، از جمله در رابطه با وحدت عربی، تعیین می‌گردد. کمونیست‌ها به اتفاق همه نیروهای انقلابی و تریخی‌خواه دیگر خواهان ایجاد این وحدت بر شالوده آزادی و دمکراسی هستند.

در عرصه بین‌المللی، حزب ما بخشی از جنبش بین‌المللی کمونیستی و کارگری است و دیگرانه در راه تحکیم وحدت آن بر پایه اصول مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری و علیه هرگونه تلاشی برای ضربه زدن به این وحدت مبارزه می‌کند. حزب کمونیست فلسطین از پاکسیسی مارکسیسم - لنینیسم دفاع کرده، سهم خود را در تکامل خلافت آن ایفا نموده و مخالف هر نوع رویز یونیسم و دمگاتیسیم در عرصه ایدئولوژیک

است. حزب ما از هنگام تأسیس آن فعالانه برای تحقق مناسبات رزم جویانه انترناسیونالیستی در جهان عرب و عرصه بین‌المللی مبارزه کرد. رشد شتابان و مثبت حزب، در پیام‌های متعددی که به کنگره اول داده شد و با استقبال شدید نمایندگان روبرو گردید بازتاب یافت. ما به دریافت این پیامها افتخار می‌کنیم.

موفقیت‌های چشمگیری که حزب کمونیست فلسطین در دوره کوتاه موجودیت خود در زمینه‌های گوناگون بدست آورده است، به طرز روشنی نشان می‌دهد که تصمیم کمونیست‌های فلسطین برای بنیان‌گذاری یک حزب مستقل، کاملاً درست بود. این گام نتیجه ادامه و تکامل کیفی پیروزی‌های بدست آمده طی دهها سال مبارزه قهرمانانه است. تأسیس حزب کمونیست فلسطین، بازتاب افزایش نقش طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در مبارزه‌های بی بخش ملی و تحکیم موثر جنبش کمونیستی فلسطین و منطبق بر ضروریات عینی مبارزه است. کنگره اول حزب، به فعالیت گسترده همه رفقای ما برای حفظ بهم فشردگی صفوف حزب و افزایش آتوریته و نفوذ آن در میان نیروهای رهایی بخش فلسطینی و عربی و نیز در عرصه بین‌المللی شتاب و نیروی دوباره بخشید. این کنگره برای همیشه به عنوان بنیاد خاراکیسین در تاریخ مبارزه کمونیست‌های فلسطین و همه مردم ما ثبت خواهد شد.

آکسیونهای اعتراضی علیه سرکوب خلق کرد

انگلستان

در پی تجاوز وحشیانه ارتش ناتویسی ترکیه با حمایت و همدستی رژیمهای عراق و جمهوری اسلامی به مناطق کردنشین عراق و ایران و ترکیه، جلسه مشترکی از طرف انجمن دانشجویان عراقی در بریتانیا و انجمن دانشجویان کرد در اروپا (شعبه بریتانیا) در تاریخ ۲۴ اکتبر تشکیل گردید. در این جلسه نمایندگان احزاب و سازمانهای زیر شرکت داشتند: ۱- حزب کمونیست عراق ۲- حزب کمونیست بریتانیا (ناحیه لندن) ۳- فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بریتانیا ۴- انجمن دانشجویان کرد در اروپا ۵- کمیته مبارزه علیه اختناق و برای آزادیهای دموکراتیک در عراق ۶- انجمن دانشجویان عراقی ۷- جبهه آزادخواهان دموکرات (کردستان) ۸- حزب دموکراتیک کردستان (عراق) ۹- سازمان جوانان ترقی خواه ترکیه ۱۰- انجمن زنان عراقی (در بریتانیا) ۱۱- هواداران آزادی فلسطین ۱۲- شوراهای اتحادیه های وست-مینستر

در همه پیامهایی که از جانب نیروهای سیاسی شرکت کننده در این نشست قرائت شد همدستی رژیمهای مرتجع ایران، عراق و ترکیه در سرکوب خلق کرد، قاطعانه محکوم گردید و بر لزوم همبستگی خلقهای سه کشور برای مبارزه با امپریالیسم و ارتجاع، تاکید شد.

دانمارک

در روز سه شنبه ۵ نوامبر در اعتراض به تجاوز ارتش ترکیه به مناطق کردنشین عراق و ایران، تظاهراتی در میدان شهرداری کپنهاگ برگزار شد که در آن احزاب سازمانهای زیر شرکت داشتند: ۱- کمیته همبستگی ترکیه - دانمارک ۲- اتحاد کارگری FAT (ترکیه) ۳- گروه کارگری DIBAF ۴- کمیته همبستگی با روزا ولات ۵- هواداران KUK (ترکیه) ۶- هواداران کورتولوش (ترکیه) ۷- اتحادیه کارگری AIT (ترکیه) ۸- حزب توده ایران - دانمارک ۹- فدائیان خلق ایران (اکثریت) - دانمارک ۱۰- حزب سوسیالیست

کردستان عراق ۱۱- سازمان دانشجویان عراقی.

نمایندگان نیز از جانب حزب کمونیست دانمارک و کمیته همبستگی و صلح این حزب به در این مراسم شرکت جستند.

در این تظاهرات اعتراضی، پلاکاردهایی با شعارهایی چون "دست ارتش فاشیست ترکیه از کردستان کوتاه!"، "زنده باد همبستگی خلقهای سراسر جهان"، "مرگ بر رژیم فاشیستی ترکیه" دیده می شد و جمعیت تظاهرات کننده، در حالی که با ابراز احساسات رهذران مواجه می شد، شعارهایی علیه سرکوب خلق کرد، سرمی داد. در جریان برگزاری این آکسیون سخنرانیهایی نیز به زبان دانمارکی برای تشریح اهداف این تجمع ایراد گردید.

در بخشهایی از اعلامیه مشترک سازمانها و احزاب برگزار کننده این تظاهرات چنین آمده است:

"خونهای نظامی ترکیه در ادامه سنت اعمال قهر و خشونت به شیوه های حیوانی، اینک منطقه کردستان ترکیه و خلق کرد را بیش از پیش آماج سیاست شوونیستی و جنایتکارانه خود قرار می دهد. اکنون بسیاری از روستاهای کردستان (ترکیه) به اشغال نظامیان درآمده، حداقل دود هکده طعمه حریق گشته است و طبق یک برنامه سازمان یافته قرار است اهالی نزدیک به ۵۰ روستا به دیگر مناطق کردستان "کوچانده" شوند.

عملیات سرکوب زیر نظر مستقیم کنگران اورن و دیگر ژنرالهای ارتش ترکیه صورت می گیرد. همدستی رژیمهای ترکیه و عراق علیه خلق کرد کاملاً آشکار است و اینک رژیم ترکیه با رژیم ایران قراردادهای تازه ای امضا می کند...

اتریش

به دنبال حملات اخیر ارتش ترکیه به مناطق کردنشین این کشور، در روز نوامبر به ابتکار انجمن همبستگی ضد امپریالیستی یک تظاهرات اعتراضی علیه سرکوب خلق کرد در کشورهای

ایران، ترکیه و عراق صورت گرفت. در این تظاهرات پر شور نیروهای زیر شرکت داشتند:

- ۱- انجمن همبستگی ضد امپریالیستی ۲- انجمن دانشجویان عراقی در اتریش ۳- حزب کارگر ترکیه ۴- حزب سوسیالیست کار ترکیه ۵- انجمن دانشجویان کرد ۶- کارگران مترقی ترکیه ۷- هواداران حزب کمونیست شیلی در اتریش ۸- اتحادیه کل دانشجویان فلسطینی (اتریش) ۹- جوانان کمونیست یونان (اتریش)
- ۱۰- فدائیان خلق ایران (اکثریت) - اتریش
- ۱۱- هواداران حزب توده ایران در اتریش
- ۱۲- دانشجویان سوسیالیست اتریش
- ۱۳- دانشجویان و جوانان کمونیست اتریش
- ۱۴- انجمن دانشجویان قبرسی در اتریش

از سوی "انجمن همبستگی ضد امپریالیستی" اعلامیه ای در رابطه با برگزار این تظاهرات انتشار یافت که در بخشی از آن گفته شده است:

"... عملیات سرکوب بنزانه نظامیان ترکیه از کردستان ترکیه به کردستان ایران و کردستان عراق گسترش یافته است. در این زمان ژنرال برنارد راجرز، فرمانده ناتو، برحسب تصادف میهمان رژیم نظامی ترکیه نبود.

کردستان ترکیه قرار است به عنوان پایگاهی برای واحدهای ویژه آمریکا و ناتو و استقرار موشکهای دارای کلاهک های هسته ای، مورد استفاده قرار گیرد. ژنرالهای ترکیه بعد از انقلاب ایران برای ناتو و آمریکا حکم ژاندارم منطقه را پیدا کرده اند. همه شواهد گواهی آن است که آنها می خواهند نهنها مقاومت خلق کرد، بلکه تمامی نیروهای مترقی ترکیه، عراق و ایران را - که در مناطق کردنشین فعالیت می کنند - سرکوب نمایند.

در اواسط اکتبر سال جاری، رژیم ترکیه شروع به تمرکز واحدهای زیادی در طول مرز ترکیه - عراق نمود. قرار است یک تهاجم دیگر به شمال عراق صورت گیرد. زندگی هزاران خانوار کرد در معرض خطر است. ما تمامی افراد، سازمانها و احزاب مترقی را به اعتراض علیه این عملیات نظامی سرکوبگرانه فرامی خوانیم"

صحنهای از تهاجم ارتش "ناتویی" ترکیه به مناطق کردنشین این کشور



رویدادهای
جهانتصویب بودجه سال ۱۹۸۵
اتحاد شوروی

اجلاس شورای عالی پارلمان اتحاد شوروی، که چهارشنبه ۲۸ نوامبر در مسکو به کار خود پایان داد، برنامه پیشرفت اجتماعی و اقتصادی کشور و بودجه اتحاد شوروی برای سال ۱۹۸۵ را به تصویب رسانید. کنستانتین چرننکو و سایر رهبران شوروی در کار این اجلاس شرکت داشتند.

طبق برنامه مصوب، قرار است حجم تولیدات صنعتی شوروی در سال ۱۹۸۵، ۳/۹ درصد و میزان محصولات کشاورزی ۶/۷ درصد افزایش یابد. حدود یک سوم اعتبارات بودجه کشور برای رفعا نیازمندیهای اجتماعی و فرهنگی به کار می رود. بدین ترتیب، اعتبارات اجتماعی ۶ برابر بودجه دفاعی کشور است که اندکی زیاد شده است.

پیش بینی می شود که درآمد ملی اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۵، ۲/۵ درصد، یعنی ۱۷/۵ میلیارد روبل افزایش یابد. افزایش بودجه، بطور عمده از طریق افزایش درآمد بخش سوسیالیستی اقتصاد تامین خواهد شد و مالیات، تنها کمتر از ۸ درصد درآمد بودجه را تشکیل خواهد داد. تیمی از مخارج بودجه صرف توسعه اقتصاد ملی خواهد شد. میزان سرانه درآمد واقعی مردم ۳/۳ درصد افزایش خواهد یافت. قیمت مواد عمده خوراکی و کالاهای صنعتی مصرفی ثابت خواهد ماند.

علیرغم افزایش بودجه دفاعی اتحاد شوروی به میزان ۲۴/۰ درصد و تا حد ۹ میلیارد و ۶۳ میلیون روبل، یعنی ۴/۹ درصد مخارج دولتی، این بودجه همچنان یک سیزدهم هزینه های نظامی آمریکا خواهد بود.

پراودا: فلسطینی ها خود
بدون دخالت دیگران باید
مسائلشان را حل و فصل کنند

اجلاس شورای ملی فلسطین در عمان با انتخاب مجدد یاسر عرفات به ست رئیس سازمان آزاد بخش فلسطین، به کار خود پایان داد. عرفات پیش از رای گیری برای گزینش اعضای کمیته اجرایی ساف، مخالفت خود را با تخصیص سه کرسی این کمیته به جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، جبهه خلق برای آزادی فلسطین و حزب دمویست فلسطین اعلام نمود. سه سازمان نامبرده، مانند سایر سازمانهای تشکیل دهنده ساف به غیر از الفتح، از شرکت در اجلاس عمان (پایتخت اردن) خودداری کردند.

روزنامه شوروی پراودا طی تفسیری - پیرامون ۲۹ نوامبر، روز همبستگی جهانی با خلق عرب فلسطین، نوشته است در جریان مبارزه فلسطینی ها تحت رهبری ساف، موفقیت های حاصل شده و ناکامی های نیز به وقوع پیوسته است. پراودا می افزاید: "پس از تجساور اسرائیل به خاک لبنان در سال ۱۹۸۲ و خروج سازمان آزاد بخش فلسطین از بیروت، در داخل خود این سازمان اختلافاتی پدید آمد. از جمله، اجلاس متناوب شورای ملی فلسطین، طی مدتی طولانی تشکیل نمی شد. و هنگامی که اجلاس این شورا بالاخره پنجشنبه گذشته در عمان تشکیل شد، برخی از سازمانهای عضو ساف از اعزام نمایندگان خود به این اجلاس خودداری ورزیدند، زیرا معتقدند که نه وقت و نه محل برگزاری آن هیچ کدام مناسب نیست. دستگاه های تبلیغاتی امپریالیستی و زمامداران اسرائیلی تلاش می کنند مشکلاتی را که در انقلاب فلسطین بوجود آمده بیشتر از حد بزرگ کنند. روشن است که خود فلسطینی ها بدون دخالت دیگران باید امور داخلی خود را اداره کرده و مسایل مربوط به اتحاد عمل و همبستگی صفوف خویش را حل و فصل نمایند. و غیره است که ماهیت مسئله فلسطین یعنی علاقه ملتی مظلوم و محروم به پایان دادن به اشغال میهن خویش از سوی اسرائیل و احقاق حق تعیین مستقل سرنوشت به هیچ وجه تغییر نکرده است."

قدردانی معدنچیان بریتانیا
از کمک های اتحاد شوروی

رهبر معدنچیان اسکاتلند و معاون رئیس اتحادیه سراسری معدنچیان بریتانیا، اعلام کرد کمک های شوروی به کارگران اعتصابی معادن زغال سنگ بریتانیا، به یک میلیون و صد و سی و هشت هزار دلار بالغ شده است. تنها معدنچیان اوکراین، ۵۰۰ هزار پونند مواد غذایی و پوشاک برای خانواده های برادران خود در بریتانیا فرستاده اند. رهبر کارگران معدن اسکاتلند افزود: "ما همواره حمایتی را که معدنچیان شوروی در اعتصاب سراسری سال ۱۹۲۶ از ما کردند به یاد خواهیم داشت... اتحادیه ما به انترناسیونال-لیسم خود می بالد. ما از هر گونه حمایت و کمک اتحادیه های کارگری شوروی استقبال و قدردانی می کنیم."

کنفرانس سازمان همبستگی
خلقهای آسیا و آفریقا در کابل

کنفرانس سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا درباره نظام نوین رسانه های گروهی در جهان، در کابل پایتخت افغانستان گشایش یافت. ببرک کارمل رهبر افغانستان در سخنرانی خود طی مراسم گشایش ایسن کنفرانس، ضمن اشاره به نقش بزرگ رسانه های گروهی در شکل دادن به افکار عمومی و مبارزه در راه صلح و امنیت، اظهار داشت این امر به

خصوصی در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا دچار جنون هسته ای شده است، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است.

اسناد بکارگیری سلاح شیمیایی توسط
اشرار افغانی

در کابل، کتابچه ای با عنوان "سلاح شیمیایی - چه کسی آن را به کار می برد؟" چاپ و منتشر شد. این جزوه، حاوی کلیه نامه های است که حامیان خارجی ضد انقلابیون افغانی به سرکرده های دستجات اشرار نوشته و در آن، نکاتی را در مورد بکارگیری سلاح های شیمیایی توسط راهزنان، ذکر کرده اند. این نامه ها نشان می دهد که ضد انقلابیون، از خارج نارنجک های شیمیایی و مواد سمی دریافت داشته اند. در جزوه مزبور همچنین اشاره شده، سربازان افغانی حتی در سال ۱۹۸۱ در جریان انجام عملیات علیه اشرار، نارنجکهای شیمیایی آمریکایی کشف کردند.

واشینگتن پست: تحویل اسلحه به
"مجاهدین" افغانی ۳ برابر شده است

مجله آمریکایی نیو زیورک می نویسد: در حالیکه سال گذشته ایالات متحده برای تأمین فعالیت ضد انقلابیون در افغانستان ۱۰۵ میلیون دلار خریده بود، در سال جاری

این مبلغ از ۱۲۵ میلیون دلار تجاوز خواهد کرد. برای این مقاصد، جمهوری فدرال آلمان ۶۰ میلیون مارک و انگلستان، دهها میلیون لیره استرلینگ اختصاص خواهند داد. به نوشته روزنامه واشینگتن پست، طی سال گذشته حجم تحویل اسلحه به "مجاهدین" افغانی ۳ برابر شده است.

محکومیت آمریکا و اسرائیل
در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل

در مباحثات مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیرامون مسئله خاور نزدیک، نمایندگان اکثر کشورهای مسئولیت لاینحل ماندن این مسئله را متوجه آمریکا و اسرائیل دانستند. از سوی گروه کشورهای غیر متعهد سه پیش نویس قطعنامه به این اجلاس ارائه شد که در آن، از پیشنهاد تشکیل کنفرانس بین المللی خاور نزدیک سه سرپرستی سازمان ملل متحد، پشتیبانی نمودند. این کشورها همچنین اشغال سرزمینهای اعراب توسط اسرائیل را تقبیح کردند.

پرزد و کوئیدار دبیرکل سازمان ملل، و نمایندگان اتحاد شوروی، کویت و امارات متحده عربی از جمله سخنرانان اجلاس عمومی بودند که ضمن محکوم کردن اسرائیل، خواهان آزادی مناطق اشغالی شدند.



تقاضای نامعقول!

در کارخانه شیر پاستوریزه اراک در تابستان سال جاری، کارگری نسبت به سطح پایین حقوق خود اعتراض کرد و خواستار افزایش آن شد. مدیر عامل دستور داد به خاطر این تقاضای نامعقول! او را اخراج نمایند. این کارگر را "دیوانه" نامیدند و همان را دلیل! اخراج قلمداد کردند. کارکنان این واحد تولیدی که نزدیک به ۱۵۰ نفر هستند، برای اعتراض به این اقدام خودسرانه و در حمایت از کارگر اخراجی دست از کار کشیدند. آنها در برابر دفتر مدیر عامل تجمع کرده و خواستار بازگرداندن این کارگر شدند. مسئولین کارخانه یک به یک به میان کارگران آمده و کوشیدند آنان را متفوق سازند. رئیس حسابداری که به تهدید کارگران اعتراضی پرداخته بود، توسط تنی چند از کارگران مذبوب گردید.

استواری کارگران، نمایندگان اداره کار را به کارخانه کشاند. آنها در برابر یکپارچگی رزمجویانه کارگران اعتراضی عقب نشستند و دستور دادند کارگر اخراجی به کار باز گردد.

حجاب تحمیلی و زنان کارگر

انجمن اسلامی کارخانه توشیا، مکرراً از زنان کارگر خواسته بود تا با حجاب اسلامی کامل (چادر و مقنعه) به سرکار حاضر شوند و در غیر این صورت از ورود آنان جلوگیری خواهد شد. اما زنان کارگری توجه به این تهدیدها، در همان چارچوب سه غایت تنگ جمهوری اسلامی برای پوشش زنان، لباس هائی را می پوشیدند که دلخواه انجمن اسلامی نبود. بالاخره در یکی از روزها انجمن اسلامی تهدید خود را عملی کرده و از ورود زنانی که روپوش به تن داشته و یا کفش کتانی به پا کرده بودند، جلوگیری کرد. این اقدام باعث اعتراض وسیع کارگران این واحد تولیدی گردید. در برابر همبستگی کسانی که به این ترتیب از کار بازداشته شده بودند، دیگر کارگران زن نیز از ورود به کارخانه خود داری کرده و در محل بازرسی اجتماع نمودند. با تجمع آنان، مسئولین کارخانه به هراس افتاده و با حضور در جمع کارگران معترض، قول دادند از این پس این گونه اقدامات تکرار نشود. با این پیروزی زنان کارگر به کار بازگشتند.

اجرزمینی برای شرکت در جنگ

کارگران و زحمتکشان هر چه گسترده تر از شرکت در جنگ سرباز می زنند. همه دسائس رژیم برای کشاندن آنان به جبهه های جنگ بی نتیجه مانده است. رژیم می کوشد با سوء استفاده از نیازهای مالی کارگران و با تطمیع آنان را به رفتن به جبهه وادار نماید. در کارخانه تراکتور سازی تبریز، وقتی که همه تیرهای مسئولین به سنگ خورد، آقای قنائی، مدیر کارخانه، کارگران را خرد آورده و طی سخنانی شکایت کرد که چرا برای اعزام به جبهه ها داوطلب نمی شوید و اجر و ثواب اخروی را از دست می دهید. اما از آنجا که آقای قنائی با وعده اجر اخروی نتوانست کسی را بفریبد وعده داد که حضور در جبهه با اجر مادی و زمینی جبران خواهد شد. او گفت: "کارگرانی که به جبهه بروند از حقوقی روزانه معادل ۳۰۰۰ ریال برخوردار خواهند شد، یعنی ماهانه نود هزار ریال، این پول کسی نیست". کارگران با سکوت سنگینی یاوه های آقای مدیر را بلاجواب گذاشتند. جواب آنها از پیش داده شده بود.

بخشنامه

در راه آهن تهران طی بخشنامه ای به کارکنان اطلاع داده شد که هرگونه تشکیلی در این واحد ممنوع و غیر قانونی است. مفاد این بخشنامه حتی شامل تشکیلاتی که زیر نظر حکومت تشکیل شده نیز می شود.

در همین واحد طی بخشنامه دیگری خواسته شد تا نام و مشخصات کلیه کسانی که به مرخصی می روند به مقامات بالا گزارش شود. مسئولین راه آهن هم چنین طی اطلاعیه ای از کارکنان خواستند تا از بازکردن پنجره های مشرف به خیابان خود داری نمایند. علت این تصمیم آن بود که به دفعات از همین پنجره ها توسط نیروهای مبارز اعلامیه به میان کارکنان انداخته شد.

محدودیت تازه برای زرتشتیان ایران

رژیم جمهوری اسلامی در ادامه تضيیقات علیه اقلیت های مذهبی، اخیراً اقدامات تفسی در آزار هم میهنان زرتشتی انجام داده است. آخرین اقدام رژیم در این زمینه، جلوگیری از مسافرت نماینده زرتشتیان ایران به هند و استان برای شرکت در کنگره جهانی زرتشتیان بود. در گذشته همواره از سوی زرتشتیان ایسران، نمایندگان در اجلاس های جهانی زرتشتیان شرکت می کردند. این اقدام رژیم اعتراض وسیعی در میان هموطنان زرتشتی برانگیخته است.

دعوی برادرانه

لنگرود هم از جمله شهرهائی بود که در آن جناح های مختلف حکومتی نتوانستند بودند بر سر نمایندگی واحدی برای مجلس به توافق برسند. در میان کشاکش شدیدی که میان کاندیداهای جناح های گوناگون در گرفته بود، یکی از کاندیداهای نام خاوری به هر ترتیب که شده بود، توانست خود را به مجلس برساند. مخالفین که خود را مخبون می دیدند در صدد فرصتی بودند تا انتقام بگیرند. خاوری که می دانست هواپس است چندان در "حوزه انتخابیه" آفتابی نمی شد. اما چندی پیش بی احتیاطی کرده و تصمیم به سخنرانی در یکی از مساجد شهر گرفت. سپاه پاسداران لنگرود که از مخالفین خاوری می باشد، فرصت را برای انتقام گیری و عرض اندام مناسب تشخیص داد. در روز سخنرانی گروه از افرادی خود را وارد مسجد مزبور کرده و در چهار گوشه آن نشاند. نفرت مسلح سپاه هم با مسلسل و تیربار در مواضع حساس نزدیک مسجد مستقر شدند. آغاز سخنرانی، قدرت نمائی سپاه آغاز گردید، ایسادی سپاه به سخنران و اطرافیانش حمله برده و زد و خورد سنگینی آغاز گردید. توازن قوا در مسجد به سود سپاه بود، از این رو اطرافیان خاوری خونین و مالین شدند و خاوری با هزار مکافات توانست با سر شکسته از مسجد و کمی بعد از حوزه انتخابیه بگریزد.

کتاب های مالی رسیده

درآمد یک روز کاریک رفیق فدائی از جنوب فرانسه ۱۵۰ مارک
رفیق محمود (کلن-آلمان فدرال) ۷۰ مارک
هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را
رفقای فدایی در شهر بنگلور
نامین کردند

AKSARIYAT

NO: 35

MONDAY DEC. 3, 84

آدرس
Address
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

انگلسا
P.O. BOX 101
LONDON N17 8YU
ENGLAND

ایالات محده
P.O. BOX 88156
LOS ANGELES, CA 90088
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوسان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا!